

فضائل

روز جمعه

در آرایه: اصالح ساریه عابد پیمانان سوره

Ketabton.com



۱۳۹۶

تتبع، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

و داکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

www.masjed.se

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فضائل روز جمعه

جمعه (با ضم جیم و ضم میم یا با ضم جیم و سکون میم) نام روز هفتم از ایام هفته در جنتری مسلمانان بشمار میرود .

جمعه در لغت:

به هفته و جمع شدن را گویند.
و در اصطلاح شرعی : به اجتماع مردم در روز جمعه برای انجام نماز جمعه و خود نماز نیز جمعه گویند .
قبل از آمدن دین مقدس اسلام به روز جمعه روز عروبه یعنی روز رحمت می گفتند.
جمع جُمَعَات و جُمَعَات و جُمَعَات و جُمَعَات : أسبوع « قضینا جمعة كاملة فی القرية ، معنا سپری کردیم جمعه کامل را در قریه » .

الجُمُعَة :

1- آخر أيام الأسبوع ، یأتی بعد الخمیس ، ویلیه السبت ، وهو یوم یجمع المسلمین فی الجوامع « خَیْرُ یَوْمٍ طَلَعَتْ عَلَیْهِ الشَّمْسُ یَوْمَ الْجُمُعَةِ » (حدیث) ، « إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ یَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِکْرِ اللَّهِ » .

الجمعه که درین جا با پیشوند الف ولا تعریفه (ال) که در انگلیسی مساوی به کلمه (The) است در واقعیت نام روز مشخص و معین است در هفته که بعد از روز پنج شنبه یعنی (خمیس) و به تعقیب آن روز شنبه یعنی (سبت) است .
و پروردگار با عظمت و توانا ما برای ما مسلمانان امری میکند که وقتی به نماز جمعه خوانده شدید به ذکر الله تعالی سعی کند و امور دنیوی ، خرید و فروش را کنار بگذارد .

نماز (صلاة) الجُمُعَة:

الصَّلَاةُ الَّتِي يُؤَدِّيهَا الْمُسْلِمُونَ بَدَلَ الظُّهْرِ جَمَاعَةً یَوْمَ الْجُمُعَةِ نَمَازٌ یَكُونُ لِکُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ یَبْدَلَ نَمَازِ جَمَاعَتِ ظَهْرٍ بِجَاءِ مِیْ أَوْرَدَ .

2- اسم سورة من سور القرآن الکریم ، وهی السُّورَةُ (رقم 62) فی ترتیب المصحف ، مدنیة ، عدد آیاتها إحدى عشرة آية. نام سوره شماره 62 از سور های قرآن کریم است که یازده آیه دارد .

در روایتی تاریخی آمده است که این روز در نزد اعراب، اصلاً بنام (یوم العروبه) شهرت داشت و این روز در بین شان از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار بود.

مورخین مینویسند که : زعماء و رهبران اعراب در این روز در محلی بنام دارالندوة، گرد هم جمع میشدند. و در مورد مسایل مهم حیاتی قوم ، مسایل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به بحث ، مناقشه و تبادل نظر می پرداختند.

مؤرخین می افزایند : که دارالندوة، محل مجلس شورای اهل مکه بود ، این شورای اساساً توسط جد چهارم پیامبر صلی الله علیه وسلم ، قصی بن کلاب بنا نهاده شده بود، میگویند وی در زمان مرگ خویش ، هدایت داد تا اولاده عبدالدار امور رهبریت این شورا را بدوش گیرند .

مورخین مینویسند که : در این مجلس تقریباً بتعداد چهل نفر از بزرگان قوم که اکثریت شان دارایی تقریباً سنین چهل سال عمر داشتند ، عضو این شورای بودند . جوانترین عضو این شورا تنها عتبه بن ربیعہ که کمتر از 40 سال عمر داشت. مشهور ترین افراد این شورا عبارت بودند : (امیة بن خلف، ابوجهل بن هشام، نضر بن حارث، شیبہ بن ربیعہ، عتبه بن ربیعہ و ابوسفیان حرب).
مؤرخ شهیر جهان اسلام بنام (جوهری) در توضیح کلمه « دار الندوه » مینویسد خانه که اجتماعات دار الندوه در آن تدویر می یافت بعد ها جزو تعمیر مسجد الحرام ساخته شد .

مؤرخین می افزایند : بعد از اینکه تعداد نسبتاً قابل ملاحظه اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم رهسپار هجرت به یثرب (مدینه منوره) گردیدند، قریشیان احساس خطر کردند و برای جلوگیری از این عمل به هر طرف و هر وسیله دست می زدند. بناً غرض اتخاذ سیاست واحد و جلوگیری از این خطر در آخر ماه صفر سال چهاردهم بعثت در دار الندوه سران اقوام گُرد هم آمدند و به مشورت پرداختند.
به گمان اغلب و قریب به اتفاق ، تعیین روز جمعه ، بحیث روز مهم و مقدس برای مسلمانان از همین فهم گرفته شده باشد.

مؤرخین مینویسند: بعد از اینکه مسلمانان به مدینه منوره آغاز به هجرت کردند و آهسته آهسته در شهر مدینه تقرر حاصل نمودند ، در یکی از روز ها در مدینه ، دور هم جمع شدند ، وطی اجتماع در این مورد به بحث و مشورت پرداختند که : پیروان هر دینی، روزی را به عنوان عبادت هفتگی و اجتماع انتخاب کرده اند. پس چون ما مسلمین هم یک امت هستیم و باید روز خاصی را در هفته برای اجتماع، عبادت، رسیدگی به حال یکدیگر و تبادل نظر تعیین کنیم.

از اینکه ، یهود روز شنبه (سبت - یوم السبت) را بحیث روز عبادت و نیایش و مسیحیان روز یک شنبه (احد - یوم الاحد) را به بحیث روز میعاد با مسیح برگزیده بودند، مسلمانان مدینه که تعداد شان در آن زمان تقریباً بیش از چهل فامیل میرسید، روز عروبه را به عنوان روز جمعه، یعنی روز اجتماع، برگزیدند و در آن روز دور هم جمع می شدند و نماز ظهر را به جماعت برپا می داشتند.
پیامبر صلی الله علیه وسلم در روزهای اول هجرت و با اقامه نماز جماعت، این اقدام ایشان را تثبیت کرد و یوم العروبه را به یوم الجمعه تغییر نام داد.

آداب روز جمعه:

روزه جمعه در تعلیمات اسلامی دارایی ادابی میباشد که ما در اینجا مختصراً ب برخی از این آداب اشاره مینومایم :

در حدیثی از سلمان فارسی روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود :
« لا یغتسل رجل یوم الجمعة ویتطهر ما استطاع من الطهر، و یدهن من دهنه، أو یمس من طیب بینه، ثم یرج فلا یفرق بین اثین، ثم یصلی ما کتب له، ثم ینصت اذا تکلم الإمام، إلا غفر له ما بینه و بین الجمعة الأخری » (هر کس در روز جمعه غسل و در حد توان نظافت و از روغن و بوی خوش خانه اش استفاده کند؛ سپس به مسجد برود و بین هیچ دونفری فاصله نیاندازد و آنچه برای او مقدر شده نماز بخواند، سپس وقتی امام

شروع به خطبه کرد ساکت شود، گناهان (صغیره) اواز این جمعه تا جمعه بعدی بخشیده میشود»

هكذا در حدیثی از ابوسعید روایت است :

« من اغتسل يوم الجمعة، و لبس من أحسن ثيابه، و مس من طيب إن كان عنده ثم أتى الجمعة فلم يتخط أعناق الناس، ثم صلى ما كتب الله له، ثم أنصت إذا خرج إمامه حتى يفرغ من صلاته كانت كفارة لما بينها و بين الجمعة التي قبله »

(هرکس در روز جمعه غسل کند و از بهترین لباسهایش بپوشد و اگر بوی خوش نزد او بود، استفاده کند، سپس به نماز جمعه برود و از روی گردن مردم قدم بردارد، سپس آنچه خداوند برای او مقدر کرده نماز بخواند؛ سپس از هنگامی که امام برای خطبه خارج می‌شود تا موقع تمام شدن نماز ساکت شود، (جمعه او) کفاره گناهانی می‌شود که بین این جمعه و جمعه قبل انجام داده است.)

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود :
« إذا كان يوم الجمعة كان على كل باب من أبواب المسجد ملائكة يكتبون الناس على قدر منازلهم الأول فالأول، فإذا جلس الإمام طووا الصحف و جاءوا يستمعون الذكر، و مثل المهجر كمثل الذي يهدى بدنة ثم كالذي يهدى بقرة، ثم كالذي يهدى الكباش، ثم كالذي يهدى الدجاجة ثم كالذي يهدى البيضة»

(وقتی که روز جمعه فرا می‌رسد؛ در کنار هر یک از درهای مسجد فرشته‌ای قرار می‌گیرد و درجات مردم را به ترتیب بر حسب وارد شدنشان، یکی پس از دیگری می‌نویسند، و وقتی که امام شروع به خواندن خطبه کند دفترهایشان را در هم می‌پیچند و به خطبه گوش می‌دهند. و ثواب کسی که زود به مسجد می‌آید، مانند کسی است شتری را قربانی کرده، و سپس مانند کسی که گاوی را قربانی کرده، و سپس مانند کسی که قوچی را قربانی کرده، سپس مانند کسی که مرغی را قربانی کرده، سپس مانند کسی که تخم مرغی را قربانی کرده است.)

1- غسل برای همه‌ی کسانی که در نماز جمعه شرکت می‌کنند، واجب است، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « غُسِّلُ الْجُمُعَةَ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُحْتَلِمٍ » (متفق علیه.) (غسل روز جمعه بر هر مرد بالغ و عاقلی واجب است.)

2- پوشیدن لباس پاک و استفاده از عطر و هر آنچه دارای بوی خوش می‌باشد، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « عَلَى كُلِّ مُسَلِّمٍ الْغُسْلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَيَلْبَسُ مِنْ صَالِحِ ثِيَابِهِ، وَإِنْ كَانَ لَهُ طَيْبٌ مَسَّ مِنْهُ ». (رواه أحمد وأبو داود وأصله في الصحيحين.) (بر هر مسلمانی واجب است که در روز جمعه غسل نماید و بهترین لباس‌هایش را بپوشد و اگر عطر داشته باشد باید خود را خوشبو کند.)

3- قبل از این‌که وقت جمعه فرا رسد باید خود را به مصلی برساند، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «من اغتسل يوم الجمعة غُسل الجنب، ثم راح في الساعة الأولى، فكأنما قرب بدنة، ومن راح في الساعة الثانية، فكأنما قرب بقرة، ومن راح في الساعة الثالثة فكأنما قرب كبشاً أقرن، ومن راح في الساعة الرابعة فكأنما قرب دجاجة، ومن راح في الساعة الخامسة فكأنما قرب بيضة، فإذا خرج الإمام حضرت الملائكة يستمعون الذكر» (مالک و بخاری آن را روایت کرده‌اند)

(کسی که در روز جمعه غسلی مانند غسل جنابت و با همان صفات و شرایط انجام دهد، سپس به سوی مسجد برود مثل این است که یک شتر را در راه خدا قربانی کرده باشد، کسی که در ساعت دوم به مسجد برود، مثل این است که یک گاو را صدقه کرده باشد، کسی که در ساعت سوم به مسجد برود ثوابش مثل این است که یک قوچ شاخدار را قربانی نموده باشد و کسی که در ساعت چهارم به مسجد برود ثوابش مثل این است که یک مرغ را صدقه داده باشد، کسی که در ساعت پنجم برود مانند این است که یک تخم مرغ را صدقه داده باشد، همین‌که امام در مسجد ظاهر گردید، فرشتگان حاضر می‌شوند و به ذکر و دعا و مطالب خطبه گوش فرا می‌دهند).

4- بعد از این‌که وارد مسجد می‌شود، هر اندازه که در توان داشته باشد نماز سنت را می‌خواند، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «**لَا يَغْتَسِلُ رَجُلٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَيَتَطَهَّرُ بِمَا اسْتَطَاعَ مِنْ طَهْرٍ، وَيَدْهَنُ مِنْ دُهْنِهِ أَوْ يَمَسُّ مِنْ طِيبِ بَيْتِهِ، ثُمَّ يَرْوِحُ إِلَى الْمَسْجِدِ لَا يَفْرُقُ بَيْنَ اثْنَيْنِ، ثُمَّ يَصَلِي مَا كُتِبَ لَهُ، ثُمَّ يَنْصِتُ لِلْإِمَامِ إِذَا تَكَلَّمَ إِلَّا غُفِرَ لَهُ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ الْأُخْرَى مَا لَمْ يَغْشِ الْكِبَائِرَ**» (بخاری آنرا روایت کرده است.) (هر کس در روز جمعه غسل نماید و در حد توان نظافت را رعایت کند و موهایش را روغن زند و خود را معطر نماید، سپس به مسجد برود و در هر نقطه که خالی باشد نمازش را بخواند، سپس ساکت نشسته و به سخنان امام گوش فرا بدهد، حتما خداوند از تمامی گناهان او در طول این هفته تا هفته‌ی دیگر درمی‌گذرد، اما به شرط این‌که مرتکب گناه کبیره نشده باشد).

5- رعایت سکوت به هنگام آمدن امام و پرهیز از این‌که خود را به چیزی مشغول نماید، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

«**إِذَا قُلْتَ لِصَاحِبِكَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْإِمَامِ يَخُطِبُ: أَنْصِتْ فَقَدْ لَغَوْتَ**» (وقتی که امام در روز جمعه خطبه‌ی نماز را می‌خواند شما اگر به رفیقت بگویند ساکت باش، شما هم کار عبث و لغوی انجام داده‌اید و از ثواب جمععات کم می‌شود). (مسلم آن را روایت کرده است.) و در روایت دیگری آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «**مَنْ مَسَّ الْحَصَى فَقَدْ لَغِيَ، وَمَنْ لَغِيَ فَلَا جُمُعَةَ لَهُ**». (هر کس خود را به چیزی مشغول نماید، پس کار عبث و لغوی را انجام داده است و هر کس کار لغوی را انجام دهد، از پاداش جمعه بی‌بهره می‌شود.) ابو داود آنرا روایت کرده است.

6- اگر در هنگامی وارد مسجد شد که امام خطبه می‌خواند، دو رکعت نماز تحية المسجد را به طور خلاصه می‌خواند، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «**إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْإِمَامُ يَخُطِبُ فَلْيَرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ وَلْيَتَجَوَّزْ فِيهِمَا**». (وقتی وارد مسجد شدید و امام خطبه را می‌خواند باید دو رکعت نماز را به طور خلاصه بخوانید.) (مسلم آنرا روایت کرده است.)

7- گام برداشتن بر نماز گزاران و از هم جدا کردن آنان کراهت دارد، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی فردی را مشاهده نمود که بر نماز گزاران قدم برمی‌دارد، خطاب به وی فرمود: «**اجلس فقد آذيت**» (بنشین، برآستی که مایه‌ی آذیت و آزار دیگران شدیدی). (ابو داود آنرا روایت کرده است.)

و در روایت دیگری آمده که فرمود: «**و لا يفرق بين اثنين**». (انسان مؤمن هرگز میان دو شخص فاصله ایجاد نمی‌کند و آنان را از هم جدا نمی‌سازد).

8- خرید و فروش بعد از آذان دوم حرام و غیر مشروع می‌باشد، زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «ای مؤمنان! هنگامی که روز آدینه برای نماز جمعه آذان گفته شد، به سوی ذکر و عبادت خدا بشتابید و داد و ستد را رها سازید. این (چیزی که بدان دستور داده می‌شوید) برای شما بهتر و سودمندتر است اگر متوجه باشید).

9- خواندن سوره کهف در شب و روز جمعه مستحب می‌باشد، با توجه به این‌که از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت شده که فرمود: «من قرأ سورة الكهف في يوم الجمعة أضاء له من النور ما بين الجمعتين» (هر کس در روز آدینه سوره‌ی کهف را بخواند، خداوند به فاصله‌ی دو جمعه روشنایی را برای او مهیا می‌گرداند). و سلف صالح نیز در شبانه روز جمعه این سوره را می‌خواندند. (حاکم آنرا گزارش داده و بیان داشته که صحیح می‌باشد).

10- صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و سلم، زیرا می‌فرماید: «أكثروا على من الصلاة يوم الجمعة وليلة الجمعة، فمن فعل ذلك كُنت له شهيداً وشفيعاً يوم القيامة» (در شب و روز جمعه صلوات زیادی را بر من بفرستید؛ هر کس این کار را انجام دهد، در روز قیامت مرا به عنوان شاهد و شفیع خود می‌یابد). (بیهقی آنرا با سندی حسن نقل کرده است).

11- دعای فراوان در روز جمعه؛ زیرا روز جمعه حاوی ساعت و زمانی است که خداوند متعال در آن ساعت دعاها را می‌پذیرد و خواسته‌ی بندگانش را استجابت می‌نماید، پیامبر صلی الله علیه و سلم در این خصوص می‌فرماید: «إن في الجمعة ساعة، لا يوافقها عبدٌ مسلمٌ، يسأل الله فيها خيراً، إلا أعطاه إياه» (یک زمان و ساعتی در روز جمعه وجود دارد، هر بنده‌ی مسلمانی در آن ساعت هر چیز خیری را از خدا بخواهد، خداوند خواسته‌اش را استجابت می‌نماید).

راجع به آن ساعت و زمان گفته‌اند که فاصله‌ی آمدن امام به مسجد تا برگشتن ایشان است و برخی گفته‌اند بعد از نماز عصر است. (امام احمد آنرا روایت کرده و عراقی نیز آنرا به عنوان حدیث صحیح قلمداد نموده است).

برخی از فضائل روز جمعه در احادیث نبوی:

در حدیثی از اوس بن اوس ثقفی روایت می‌کند که از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدیم: «مَنْ غَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَاغْتَسَلَ، ثُمَّ بَكَرَ وَابْتَكَّرَ، وَ مَشَى وَلَمْ يَرْكَبْ، وَدَنَا مِنَ الْإِمَامِ، فَاسْتَمَعَ وَلَمْ يَلْغُ، كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ عَمَلٌ سَنَةٍ أَجْرُ صِيَامِهَا وَقِيَامِهَا». (کسی که روز جمعه سرش را شسته و غسل نماید سپس زود به مسجد خود را برساند و به اول خطبه حاضر گردد، و پیاده رفته و از وسایل نقلیه استفاده نکند و به امام نزدیک شده و به خطبه گوش داده و کارهای بیهوده انجام ندهد. برای هر قدمی که برمی‌دارد ثواب یک سال روزه و نماز به او داده می‌شود. (أبو داود فی السنن رقم ۳۴۵ قال النووی فی المجموع هذا الحدیث حسن و قال الهیثمی فی مجمع الزوائد رجاله رجال الصحیح، صحیح الترغیب و الترہیب رقم ۶۹۰)

در حدیثی از ابی مالک الأشعری رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: «الْجُمُعَةُ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ الَّتِي تَلِيهَا وَزِيَادَةٌ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ وَذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا». (طبرانی فی الکبیر،

صحیح الترغیب و الترهیب رقم ۶۸۵)

(روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: جمعه، کفارہ گناهان همان جمعه تا جمعه بعدی به همراه سه روز دیگر است. زیرا خداوند متعال می‌فرماید: کسی که یک نیکی انجام دهد ده برابر آن برای او به حساب می‌آورد. از ابو مالک اشعری رضی الله عنه) .

روز اول هفته جمعه است نه شنبه:

« عن أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ نَحْنُ الْأَخْرُونَ السَّابِقُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيِّدَ أَنَّهُمْ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِنَا ثُمَّ هَذَا يَوْمُهُمُ الَّذِي فُرِضَ عَلَيْهِمْ فَاحْتَلَفُوا فِيهِ فَهَدَانَا اللَّهُ فَالْأَناسُ لَنَا فِيهِ تَبِعَ الْيَهُودُ عَدَا وَالنَّصَارَى بَعْدَ عَدِ . » (صحیح بخاری، حدیث: 827 و صحیح مسلم، حدیث: 1413) ابوهریره رضی الله عنه می‌فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ما (امت اسلامی، در دنیا از همه) آخرتر آمده ایم ولی در قیامت از همه جلوتر از ما حساب و کتاب گرفته می‌شود، این واضح است که به آنها (یعنی یهود و نصاری) قبل از ما (امت اسلامی) کتاب داده شده است، سپس این روز (جمعه) همان روزشان بود که (از جانب الله متعال؛ تعظیم آن) بر آنها فرض قرار داده شده بود ولی آنان (یهود و نصاری در تعیین و انتخاب این روز) اختلاف نمودند، الله متعال ما را بسوی این (روز) هدایت نمود و دیگر مردم تابع و دنبال روی ما اند (روز) یهودیها فردا (که شنبه است) می‌باشد و (روز) نصرانی ها پس فردا (که یک شنبه است) می‌باشد.

ابن حجر عسقلانی رحمه الله در توضیح و تشریح، این حدیث چند مسأله استنباط و برداشت نموده که یکی از آنها این است که روز (جمعه) از نظر شرعی روز اول هفته است، در این باره به گفتار ابن حجر رحمه الله توجه فرماید که ایشان می‌فرمایند: « وَأَنَّ الْجُمُعَةَ أَوَّلَ الْأُسْبُوعِ شَرَعًا ، وَيَدُلُّ عَلَى ذَلِكَ تَسْمِيَةُ الْأُسْبُوعِ كُلِّهِ جُمُعَةً. » یعنی : (و) (مسأله دیگری که از این حدیث استنباط می‌شود این است) که روز جمعه از نظر شرعی روز اول هفته است، و دلیل دیگر این مطلب این است که (صحابه رضی الله عنهم) به کل هفته (نیز) جمعه می‌گفتند.

آغاز شب جمعه :

شب جمعه اصطلاحی است که در بین مسلمانان برای روز پیش از جمعه (پنچشنبه) اطلاق میشود. این اصطلاح بیشتر یک اصطلاح دینی میباشد چرا که روز جمعه از جمله یکی از روزهای مقدس، مهم و با فضیلتی در بین مسلمانان بشمار میرود. گفتیم روز « جمعه » روز پایانی هفته، و مورد احترام مسلمانان و یکی از عیدهای مهم است.

سوال در اینجا است که شب جمعه از کدم لحظه آغاز می‌یابد، و در چه زمانی به پایان خود میرسد؟

باید توجه داشت که ابتدا شب بر روز مقدم می‌شود، یعنی هر یک از ایام هفته ابتدا با شب شروع می‌شوند و سپس روز بر شب آن حاکم می‌شود، پس مثلا در جمعه ابتدا شب می‌آید سپس روز آن بدنبال شب فرا می‌رسد، و باز باید توجه نمود که شب از زمان

غروب آفتاب است تا زمان طلوع فجر صادق که با آن صبح می رسد، با این حساب از زمان غروب آفتاب در روز پنجشنبه تا غروب آفتاب در روز جمعه، بعنوان روز جمعه تلقی می شود، و آنچه که معمولاً بین مردم رایج است که می گویند (پنج شنبه شب که فردایش جمعه است) این اشتباه است! زیرا شب جمعه را شب پنج شنبه می خوانند، بلکه باید گفت که: (شب جمعه که فردایش صبح جمعه است..)

بعبارتی آغاز جمعه از غروب آفتاب در روز پنج شنبه شروع می شود، و با غروب آفتاب در روز جمعه پایان می یابد، و شب شنبه فرا می رسد.

خصوصیات روز جمعه:

روز جمعه مزایای زیادی دارد چنان که امام سیوطی (عبدالرحمن بن الکمال ابی بکر بن محمد سابق‌الدین الخضیری الأسیوطی (۸۴۹ در قاهره - ۹۱۱ ه.ق) مشهور به جلال‌الدین سیوطی از دانشمندان شهیر سرزمین مصر) در کتابی خویش به نام «خصوصیات یوم الجمعة» درباره روز جمعه صد مزیت را بیان داشته است: از آنجمله تجمع ارواح در روز جمعه، زیارت قبور در آن، امنیت مرده از عذاب قبر و کسی که در شب و روز جمعه بمیرد در آن شب و روز عذاب داده نخواهد شد و در روز جمعه اهل جنت به ملاقات پروردگار با عظمت می روند و غیره ...

فضیلت روز جمعه:

روز جمعه روزی بزرگ است و از بزرگترین روزهای دنیا و ارزشمندترین روزهای هفته محسوب می‌گردد، پس با توجه به این‌که خداوند آن را بزرگ شمرده، لازم است که به عنوان روزی بزرگ از آن استقبال بعمل آید، و کارهای نیک و صالح را در آن انجام داد و از تمامی گناهان پرهیز نمود و صلوات فراوانی بر پیامبر صلی الله علیه وسلم در این روز فرستاد.

در مقام و منزلت روز جمعه در حدیثی آمده است: «خیر یوم طلعت علیه الشمس، یوم الجمعة، فیه خُلِق آدم، وفیه أُدخِل الجنة، وفیه أُخرج منها، ولا تقوم الساعة إلا فی یوم الجمعة» (مسلم، احمد و ترمذی آن را روایت کرده‌اند.) (بهترین روزی که آفتاب در آن طلوع کرده روز جمعه است، در روز جمعه آدم علیه السلام خلق شده، و در روز جمعه وارد جنت شد، و در روز جمعه بود از که از جنت بیرون شد، و در روز جمعه قیامت برپا می‌شود).

و ابولبابه بدری (رض) روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «سید الأيام یوم الجمعة، وأعظمها عند الله تعالی، من یوم الفطر، ویوم الأضحی...» (روز جمعه نزد خداوند از بزرگترین روزها محسوب می‌گردد و از روز عید فطر و قربان نیز بزرگتر است). احمد و ابن ماجه آن را روایت کرده‌اند، و عراقی در خصوص آن گفته که سندش حسن است.

و در حدیثی از ابوهریر (رض) روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «من اغتسل یوم الجمعة غُسل الجنابة، ثم راح فی الساعة الأولى، فکأنما قرب بدنة، ومن راح فی الساعة الثانية، فکأنما قرب بقرة، ومن راح فی الساعة الثالثة فکأنما قرب كبشاً أقرن، ومن راح فی الساعة الرابعة فکأنما قرب دجاجة، ومن راح فی الساعة الخامسة

فکأنما قرب بيضة، فإذا خرج الإمام حضرت الملائكة يستمعون الذكر». (کسی که در روز جمعه غسلی مانند غسل جنابت و با همان صفات و شرایط انجام دهد، سپس به سوی مسجد برود مثل این است که یک شتر را در راه خدا قربانی کرده باشد، کسی که در ساعت دوم به مسجد برود، مثل این است که یک گاو را صدقه کرده باشد، کسی که در ساعت سوم به مسجد برود ثوابش مثل این است که یک قوچ شاخدار را قربانی نموده باشد و کسی که در ساعت چهارم به مسجد برود ثوابش مثل این است که یک مرغ را صدقه داده باشد، کسی که در ساعت پنجم برود مانند این است که یک تخم مرغ را صدقه داده باشد، همین که امام در مسجد ظاهر گردید، فرشتگان حاضر می‌شوند و به ذکر و دعا و مطالب خطبه گوش فرا می‌دهند). (مالک و بخاری آن را روایت کرده‌اند.)

کثرت صلوات در روز جمعه:

در حدیثی از ابی امامة رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده: «أَكثَرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ الْجُمُعَةِ فَإِنَّ صَلَاةَ أُمَّتِي تُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ فَمَنْ كَانَ أَكْثَرَهُمْ عَلَيَّ صَلَاةً كَانَ أَقْرَبَهُمْ مِنِّي مَنْزِلَةً» (بیهقی باسناد حسن، صحیح الترغیب و الترهیب رقم ۱۶۷۳)

(از ابو امامه رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: در روز جمعه صلوات بیشتری بر من بفرستید زیرا دروهای امت من، هر جمعه بر من عرضه می‌شود پس کسی که صلوات او بر من بیشتر باشد منزلت و جایگاه او به من در روز قیامت نزدیکتر خواهد بود.)

حکمت و فلسفه فرض شدن نماز جمعه:

نمازهای پنجگانه ای که امروزه ما مسلمین هر روز باید آنرا سر وقت بخوانیم و هفده رکعت می‌باشند، در شب اسراء و معراج پیامبر صلی الله علیه وسلم بر مؤمنین فرض شد که هنوز پیامبر صلی الله علیه وسلم و یارانش در مکه زندگی می‌کردند. زهری می‌گوید: «اسراء یک سال قبل از هجرت رسول خدا صلی الله علیه وسلم در ماه ربیع‌الاول روی داد، اما روایت وارده در این باره که اسراء در شب بیست و هفتم رجب روی داده، سند صحیحی ندارد». (انوار القرآن).

در صحیح بخاری و مسلم از حدیث انس بن مالک آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيَّ أُمَّتِي حَمْسِينَ صَلَاةً، فَرَجَعْتُ بِذَلِكَ، حَتَّى مَرَرْتُ إِلَى رَبِّكَ فَإِنَّ أُمَّتَكَ لَا تُطِيقُ ذَلِكَ، فَوَضَعْتُ شَطْرَهَا، فَرَجَعْتُ إِلَى مُوسَى، فَرَجَعْتُ إِلَيْهِ، فَقَالَ: رَاجِعْ رَبِّكَ فَإِنَّ أُمَّتَكَ لَا تُطِيقُ فَرَجَعْتُ فَوَضَعْتُ شَطْرَهَا وَهِيَ حَمْسُونَ، لَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ، فَرَجَعْتُ إِلَى مُوسَى، فَقَالَ: رَاجِعْ رَبِّكَ، فَقُلْتُ: اسْتَحْيَيْتُ مِنْ رَبِّي، ثُمَّ انْطَلَقْتُ بِحَتَّى انْتَهَيْتُ بِئِي إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، وَغَشِيَهَا أَلْوَانٌ لَا أَدْرِي مَا هِيَ، ثُمَّ ادْخَلْتُ الْجَنَّةَ، فَإِذَا فِيهَا حَبَائِلُ اللَّوْلُؤِ، وَإِذَا تُرَابُهَا الْمَسْكُ». (بخاری: 349) یعنی: «خداوند در سفر معراج، روزانه پنجاه نماز بر امتم فرض گردانید. با آن پنجاه نماز، برگشتم تا

اینکه به موسی علیه السلام رسیدم. ایشان پرسید: خداوند بر امتت چه چیزی فرض کرد؟ گفتم: روزانه پنجاه نماز. موسی علیه السلام فرمود: دوباره نزد پروردگارت برو. زیرا امتت توانایی انجام این کار را ندارد. نزد خداوند متعال برگشتم. حق تعالی بخشی از آن پنجاه نماز را کم کرد. وقتی نزد موسی علیه السلام آمدم، گفتم: بخشی از نمازها را معاف نمود. موسی علیه السلام گفت: باز هم بسوی خدا برگرد زیرا امتت توانایی این را هم نخواهد داشت. من بار دیگر نزد پروردگار رفتم. خداوند متعال این بار نیز بخشی از نمازها را کم کرد. باز چون نزد موسی رفتم و گفتم که خداوند بخشی دیگر از نمازها را بخشیده است، موسی علیه السلام باز همان سخن قبلی خود را تکرار کرد. برای آخرین بار، نزد حق تعالی رفتم، خداوند فرمود: روزانه پنج بار نماز بخوانید و ثواب پنجاه نماز را دریافت کنید و من هیچگاه خلاف وعده عمل نمی کنم. من بسوی موسی باز گشتم. گفت: بار دیگر به خداوند مراجعه کن. (این بار نپذیرفتم) گفتم: از خداوند شرم می کنم. آنگاه، جبرئیل مرا با خود برد تا اینکه به سدره المنتهی رسیدیم. در آنجا، چیزهای گوناگونی دیدم که از آنها سر در نیاوردم. سپس وارد بهشت شدم. و در آنجا با زنجیرهای ساخته شده از مروارید و خاک بهشت که از مشک و عنبر بود، روبرو شدم. البته بعضی از اهل علم گفته اند که قبل از آنکه این پنج نماز روزانه فرض شود، مسلمانان هر روز صبح و شب دو رکعت نماز می خواندند.

قتاده رحمه الله می گوید: « **كان بدء الصيام أمروا بثلاثة أيام من كل شهر ، ورکعتین غدوة ، ورکعتین عشية** ». « تفسیر الطبری » (3 / 501) یعنی: در اوایل امر شده بود تا در هر ماه سه روز روزه گرفته شود، و نیز دو رکعت صبح و دو رکعت شب نماز خوانده شود.

و امام ابن کثیر رحمه الله در تفسیر آیه « **وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ** » (سوره ق آیه : 39). (و پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب، پروردگارت را همراه با ستایش تسبیح گوی) می گوید: « و این امر قبل از فرض شدن نمازهای پنجگانه در شب اسراء بود، زیرا این آیه مکی است ». (تفسیر ابن کثیر (جلد 3 / 538) ، و نگاه کنید به : (البحر الرائق)، ابن نجیم (1 / 257) .

البته بعضی از علماء این اقوال قتاده و ابن کثیر را قبول ندارند. و گروهی از اهل علم گفته اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم قبل از فرض شدن نماز در شب اسراء نمازی بجز نماز شب نمی خواندند بدون آنکه وقت آن یا تعداد رکعاتش مشخص باشد. نگاه کنید به: (التمهید لابن عبد البر) (35/8).

مطابق روایات تاریخی نماز جمعه در مکه مکرمه، و در شب معراج با بقیه نمازها فرض شده است. اگر چه روایتی هم هست که در مدینه منوره فرض شده است. اما صحیح ترین روایت این است که نماز جمعه، در مکه مکرمه فرض شده است. پیامبر اسلام چرا در مکه نماز جمعه را اداء نکردند؟

دلیلش واضح و دقیقی که پیامبر صلی الله علیه وسلم چرا نماز جمعه را در مکه مکرمه بجاء نیآورد اینست که:

- چون اوایل دعوت به اسلام بود و در آن زمان تعداد مسلمانان در مکه مکرمه کم بود .

- دومین دلیل عدم اقامه نماز در مکه مکرمه را میتوان در ترس مسلمانان خلاصه نمود ، طوری که فوقاً بدان اشاره نمودیم ، تعداد مسلمانان بسیار کم بود و عملاً ترس از آزار و اذیت مشرکین وجود داشت و در بسیاری حالت مسلمانان بطور مخفیانه زندگی می کردند. عمدتاً این دو عامل باعث شده بود که پیامبر اسلام نماز جمعه را در مکه مکرمه اقامه نکردند.

ولی ناگفته نباید گذاشت که : پیامبر صلی الله علیه وسلم ، برای تنظیم امور مسلمین در شهر مدینه ، صحابی جلیل القدر مصعب بن عمیر را به بحیث معلم به مدینه منوره فرستادند . مصعب بن عمیر حامل پیام پیامبر صلی الله علیه وسلم بود که در آن خطاب به مسلمانان در ضمن سایر دستاویز هدایت گردیده بود که مسلمانان باید در شهر مدینه نماز جمعه را اقامه کنند.

اسعد بن زراره (رض) بعد از وصول هیات ، مسلمانان را جمع کرد و مصعب بن عمیر فرستاده رسول الله صلی الله علیه وسلم را به عنوان اولین خطیب، نماز جمعه را در مدینه منوره اداء کرد.

این اولین نماز جمعه بود که توسط مصعب بن عمیر و اسعد بن زراره در مدینه برگزار شد.

پیامبر اسلام هم پس از ورودشان به مدینه منوره بعد از چهار روز اقامت در قبا ه هنگامی که عازم مدینه شدند، چون در آن زمان قبا از مدینه فاصله داشت در قبیله بنی سالم بن عوف وقتی که ظهر فرا رسید در آن جا توقف کردند و اعلام کردند. مردم جمع شدند و نماز جمعه را در آنجا اقامه کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم هم بخاطر اهمیت نماز جمعه، در لحظات ورودشان نماز جمعه را در قبا اقامه کردند و اجماع امت هم همین طور است که نماز جمعه فرض عین است.

اولین بار نماز جمعه چه وقت فرض شد؟

در مورد اینکه اولین نماز جمعه چه وقت فرض شد طوری که در فوق نیز اشاره کردیم مطابق روایات اسلامی: مسلمانان «مدینه»، پیش از آن که پیامبر صلی الله علیه وسلم هجرت کند، با یکدیگر به مباحثه پرداختند و گفتند که : قوم «یهود» در طول هفته روزی خاصی برای اجتماع دینی خویش دارند که مصادف میگردد به (روز شنبه) ، همچنان «نصاری» نیز روزی معینی برای برگزاری مراسم دینی دارند که مصادف میشود به روز (یکشنبه) ، بنابراین خواهد بود که مسلمانان هم روزی داشته باشند که با دور هم جمع شوند و در آن روز در جنبی اینکه به بحث مسایل دینی و اجتماعی می پردازند ، مصروف عبادت دستجمعی نیز خواهند شد ، آنها روز قبل از شنبه را که در آن زمان « یوم العروبه» نامیده می شد، برای این هدف عالی خویش برگزیدند، بنا نزد «اسعد بن زراره» که یکی از بزرگان اهل مدینه بود ، رفتند ، و او نماز را به صورت جماعت با آنها به جا آورد و به آنها اندرز داد، و آن روز، «روز جمعه» نامیده شد، زیرا روز اجتماع مسلمین بود .

اسعد بن زراره به مردم دستور داد از اینکه مسلمانان به اتفاق نیکی دست یافتند ،

گوسفندی را ذبح نمایند، مسلمانان گوسفند را حلال و همه مسلمانان در نان چاشت و شب از گوشت این گوسفند غذا خوردند. ناگفته نماند تعداد مسلمانان در آن زمان در شهر مدینه بسیار کم بود.

و این نخستین نماز جمعه ای بود که در تاریخ امت اسلام تشکیل شد. اما، اولین نماز جمعه ای که رسول الله صلی علیه وسلم با اصحابش بجاء آوردند، هنگامی بود که به «مدینه» هجرت کرد، مطابق روایت تاریخی آن حضرت روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول هنگام ظهر وارد «مدینه» شد، چهار روز در «قبا» ماندند و مسجد «قبا» را بنیان نهادند، سپس روز «جمعه» به سوی «مدینه» حرکت کرد، (فاصله میان «قبا» و «مدینه» بسیار کم است، و امروز «قبا» یکی از محله های داخل «مدینه» است)، به هنگام نماز جمعه، به محله «بنی سالم» رسید، و مراسم نماز جمعه را در آنجا برپا داشت، و این اولین نماز جمعه ای بود که رسول الله صلی علیه وسلم در اسلام به جا آورد، خطبه ای هم در این نماز جمعه خواند که، اولین خطبه محمد صلی الله علیه وسلم در «مدینه» بود.

یکی از محدثان از «عبد الرحمن بن کعب» نقل کرده: پدرم هر وقت صدای آذان جمعه را می شنید، بر «اسعد بن زرارة» رحمت می فرستاد، هنگامی که دلیل این مطلب را جویا شدم، گفت: به خاطر آن است که او اولین کسی است که نماز جمعه را با ما به جا آورد.

گفتم: آن روز چند نفر بودید؟ گفت: فقط چهل نفر!

کمترین عدد برای اقامت نماز جمعه:

در مورد اینکه کمترین عدد برای اقامت نماز جمعه چند نفر باشند علماء در مورد با هم اختلاف نظر پرداختند:

مشهورترین اقوال در نزد علماء آنست که میگویند برای انعقاد نماز جمعه نیاز به 40 نفر مرد میباشد، و این نظر امام مالک، امام شافعی، امام احمد بن حنبل و تعدادی دیگری از علماء میباشد و دلیلشان بر اینست طوری که در فوق بیان شد که اولین نماز جمعه ای که در مدینه منعقد شد 40 نفر بودند.

رای دیگری از علماء اینست که: کمترین عدد باید 12 نفر باشند و این نظر ربیع بن عبدالرحمن استاذ امام مالک میباشد.

تعدادی دیگری از علماء کمترین عدد را برای انعقاد نماز جمعه 4 نفر میدانند، و این نظر امام صاحب ابو حنیفه نیز میباشد.

همچنان تعدادی از علماء کمترین عدد را برای انعقاد نماز روز جمعه 3 نفر میدانند و این نظر امام اوزاعی و شیخ الاسلام ابن تیمیة میباشد.

ولی بهترین قول آنست که میگوید کمترین عدد برای انعقاد نماز جماعت در شهر و یا روستا 3 نفر میباشد زیرا کمترین عددی که به آن جماعت گفته میشود 3 نفر میباشد و برای اعداد بالاتر از آن دلیل واضحی نیست و اگر تعداد معینی برای انعقاد نماز جمعه شرط میبود، پیامبر صلی الله علیه وسلم حتماً آنرا برای امتش بیان میداشت.

حکمت و فلسفه نماز جمعه چیست؟

همان طور که در آیات قرآن و احادیث نبوی آمده است، تاکید فراوان شرع اسلام در وضع عبادات به اتحاد مسلمانان و انسجام اسلامی شده است. در حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم جامعه اسلامی را به یک جسم تشبیه کرده اند. که همه اعضای یک جسم به هم پیوسته هستند. لذا برای استحکام اتحاد و انسجام خداوند متعال هفته ای یک روز را قرار داده تا مسلمانان از جاهای دور و نزدیک در مصلا و در میعادگاه نماز جمعه حاضر شوند و در کنار یکدیگر وحدتشان را به نمایش بگذارند.

دومین حکمت نماز جمعه:

ایجاد الفت و محبت بین مسلمانان است. وقتی مسلمانان در یک جا جمع می شوند و در کنار یکدیگر نماز جمعه را اقامت می کنند. خود به خود الفت و محبت در دل‌های آنها جا می گیرد و یکدیگر را بهتر می شناسند و در مواقع مشکلات و مصیبتی که برای فردی از افراد جامعه اتفاق می افتد می توانند به او کمک کنند. همچنین فلسفه دیگر نماز جمعه تعلیم و تعلم است. بر هر مرد و زن مسلمان فرض است که دین و مسایل شرعی اش را یاد بگیرد. لذا در روز جمعه که از سخنان از کتاب الله و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می شود. مسلمانان در میعاد گاه جمعه حاضر می شوند و مسائل دین شان را یاد می گیرند. در واقع نماز جمعه مدرسه هفتگی است برای آموختن دین و پند و اندرزهای اسلامی. و لازم است که هر فرد مسلمان در این مکتب اشتراک نمایند. نماز جمعه در واقع یکی از بزرگترین شعاعر اسلام است که عظمت دین اسلام را به نمایش می گذارد.

حکم نماز جمعه:

تعداد کثیری از علمای اسلام بر واجب بودن نماز جمعه حکم مینمایند و استدلال به فرموده پروردگار با عظمت مینمایند:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ » (سوره جمعه: آیه 9)

(ای مؤمنان هنگامیکه روز جمعه برای نماز ندا داده شد به سوی ذکر و عبادت الله بشتابید و خرید و فروش را رها سازید این برای شما بهتر و سودمندتر است اگر بدانید). از طارق بن شهاب روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

«الجمعة حق واجب على كل مسلم في جماعة إلا أربعة، عبد مملوك أو امرأة أو صبي أو مريض» (صحیح ابو داوود 942) «خواندن نماز جمعه همراه با جماعت بر هر فرد مسلمانی واجب است، مگر بر چهار گروه؛ غلام که در مالکیت سیدش است، زن، کودک، و انسان مریض.»

از ابن عمر و ابوهریره روایت است که آنان از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدند که روی منبرش می فرمود: « لَيَنْتَهِيَنَّ أَقْوَامٌ عَنْ وَدْعِهِمُ الْجُمُعَاتِ أَوْ لِيَخْتَمُنَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ ثُمَّ لِيَكُونَنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ » (صحیح ابن ماجه: 5480) «افرادی که جمعه را ترک می کنند باید از این عملشان دست بکشند وگرنه خداوند بر قلبهای آنها مهر (غفلت)

می‌زند، سپس در زمره غافلان قرار می‌گیرند».

از عبدالله روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم به گروهی که نماز جمعه را ترک می‌کردند فرمود: « **لقد هممت أن أمر رجلا يصلي بالناس، ثم أحرق على رجال يتخلفون عن الجمعة بيوتهم** » (صحیح ابن ماجه : 5142)، «تصمیم داشتم که شخصی را مأمور کنم تا برای مردم نماز بخواند سپس بروم و خانه‌های مردانی را که به نماز جمعه نمی‌آیند بر سرشان آتش بزنم».

از ابوجعد ضمری روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « **من ترك ثلاث جمع تهاونا بها طبع الله على قلبه** » (ابو داوود 3/377/1039) «کسی که سه جمعه را از روی بی‌توجهی، ترک کند خداوند بر قلبش مهر می‌زند».

از اسامه بن زید روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « **من ترك ثلاث جمعات من غير عذر كتب من المنافقين** » (صحیح ابن ماجه : 6144)، «کسی که سه جمعه را بدون عذر ترک کند، از منافقین به حساب می‌آید».

پس طبق احادیث صحیح فوق الذکر، کسی که به فرضیت نماز جمعه اعتقاد داشته باشد ولی سستی کند و بدون عذر نماز جمعه را با جماعت نخواند و نماز جمعه عمدا ترک کند پس از ترك 3 نماز جمعه خداوند قلبش را مهر غفلت و گمراهی میزند و از جمله منافقین نوشته خواهد شد، پس چه برسد به کسی که نه تنها نماز جمعه را نمیخواند بلکه فرضیت نماز جمعه را هم انکار میکند؟ این اشخاص نزد خداوند چه وضعیتی خواهند داشت؟

1- حضرت ابوهریره (رض) روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند:

« **خير يوم طلعت فيه الشمس يوم الجمعة فيه خلق آدم وفيه دخل الجنة وفيه اخرج**

منها، و لا تقوم الساعة الا في يوم الجمعة » (ترمذی: حسن صحیح) (بهترین روزی که آفتاب در آن طلوع می‌کند روز جمعه است زیرا در روز جمعه حضرت آدم علیه السلام خلق شدند از آن بیرون شدند و قیامت بر پا خواهد شد مگر در روز جمعه.)

2- در روایات بطور مرفوع آمده است که خداوند در هر روز جمعه ششصد هزار نفر را مورد عفو قرار می‌دهد و کسی که در روز جمعه بمیرد در آن روز از عذاب قبر محفوظ می‌ماند.

حکمت نماز جمعه و فضیلت رفتن به آن:

حکمت تشریح جمعه برای جای دادن به فکر جمعی و تجمع مسلمانان و شناخت پیدا کردن آنها با همدیگر و محبت و اُلفت پیدا کردن بین آنها و یادآوری نسبت به دستورات اسلام در رابطه با احکام و اخلاق و آداب و امر به معروف و نهی از منکر و مسائل عمومی اعم از خارجی و داخلی می‌باشد.

فضیلت رفتن به جمعه بدست آوردن ثواب، بطوری که در روایت آمده است هر قدمی که نماز گزار برای رفتن به ادای نماز جمعه، از آن ثواب کمایی میکند، و سبب عفو گناهی می‌شود و در حدیثی که ابوهریره (رض) نقل می‌کند آمده که حضرت محمد صلی الله علیه و سلم فرمودند:

« **من اغتسل يوم الجمعة غسل الجنابه ثم راح فكانما قرب بدنه و من راح في الساعة الثانية، فكانما قرب بقره و من راح في الساعة الثابيره فكانما قرب كبشاً و من راح في الساعة الرابعة فكانما قرب دجاجة و من راح في الساعة الخامسة فكانما قرب بيضة فإذا**

خرج الإمام حضرت الملائكة يستمعون الذكر.» (متفق علیه) (کسی در روز جمعه غسل کند سپس بسوی محل جمعه حرکت کند ثوابش به اندازه قربانی کردن یک شترمی باشد و کسی که در ساعت دوم حرکت کند به اندازه قربانی کردن یک گاو و کسی که در ساعت سوم حرکت کند به اندازه قربانی کردن یک قوچ و کسی در ساعت چهارم حرکت کند به اندازه قربانی کردن یک مرغ و کسی که در ساعت پنجم حرکت کند به اندازه کردن یک تخم مرغ به ثواب می رسد و وقتی امام جمعه بسوی مسجد حرکت کردند ملائکه برای گوش دادن به میان جمعیت حاضر می شوند.

فضایل رفتن به مسجد:

در حدیثی از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: آیا می‌خواهید شما را به چیزی که خداوند با آن گناهان را محو می‌کند و درجات را نزد خود بالا می‌برد راهنمایی کنم؟ صحابه گفتند: بلی یا رسول الله آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: وضوء کامل و صحیح گرفتن با تحمل سختی و زحمت (در سرما و غیره)، زیاد گام برداشتن به سوی مساجد، و بعد از يك نماز به انتظار نماز دیگر نشستن، اینها رباط است. (به مداومت در راه خدا و پاسداری از حدود و مرزهای اسلامی رباط می‌گویند).

از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که آنحضرت فرمود: هرگاه دیدید مردی به (رفتن سوی) مساجد، انس و عادت دارد، به مؤمن بودن او گواهی دهید؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «**إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنِ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ**» (سوره توبه: آیه 18) (فقط کسانی مساجد خدا را (از جهت معنوی و مادی) آباد می‌کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و جز الله از کسی نمی‌ترسند).

در حدیثی از اوس بن اوس ثقفی روایت میکنند که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم :

«**مَنْ غَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَاغْتَسَلَ، ثُمَّ بَكَرَ وَابْتَكَرَ، وَ مَشَى وَلَمْ يَرْكَبْ، وَدَنَا مِنَ الْإِمَامِ، فَاسْتَمَعَ وَلَمْ يَلْغُ، كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ عَمَلٌ سَنَةٍ أَجْرُ صِيَامِهَا وَقِيَامِهَا**». (کسی که روز جمعه سرش را شسته و غسل نماید سپس زود به مسجد خود را برساند و به اول خطبه حاضر گردد، و پیاده رفته و از وسایل نقلیه استفاده نکند و به امام نزدیک شده و به خطبه گوش داده و کارهای بیهوده انجام ندهد. برای هر قدمی که برمی‌دارد ثواب یک سال روزه و نماز به او داده می‌شود. (ابو داود فی السنن رقم ۳۴۵ قال النووی فی المجموع هذا الحديث حسن و قال الهیثمی فی مجمع الزوائد رجاله رجال الصحيح، صحيح الترغيب و الترهيب رقم ۶۹۰).

زنان و نماز جمعه:

در شرع اسلامی رفتن زنان به مسجد برای نماز جمعه واجب نمیباشد، اما هنگامی که خوف فتنه وجود نداشته باشد، حاضر شدن زنان در نماز جمعه جایز است و به خاطر آن پاداش هم داده میشوند زیرا که واجب نبودن نماز جمعه برای زنان به جهت تخفیف بر آنان بوده است.

فضیلت دعا در نماز جمعه :

قبل از همه باید گفت که دعا کردن مغز عبادت است، و خود نماز . محتوی آیات قرآنی و نصوص متبرکه تلاوت شده عمدتاً در واقعیت دعا ها آند و دعا کردن بعد از انتهای نماز مستحب است. از پیامبر صلی الله علیه وسلم سوال کردند که کدام دعا مستجاب است؟ ایشان جواب دادند: « جوف الیل و دبر الصلوات المكتوبات » یعنی: دعا در دل شب و بعد از نمازهای فرض. (ترمذی 3499) و البانی آنرا صحیح دانسته است. و قابل ذکر است که دعا بعد از سلام دادن نماز از نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده است از جمله: « اللهم أعنی علی ذکرک و شکرک و حسن عبادتک » (نسایی) یعنی: خداوند! مرا بر ذکر و شکر نعمتها و خوب انجام دادن عبادتت یاری فرما .

« اللهم إنی أسألك علماء نافعاً و رزقاً طیباً و عملاً مقبلاً » (ابن ماجه) یعنی: «خدا یا از تو علمی نافع و رزقی پاک و عملی قبول شده را طلب می‌کنم» .
« اللهم إنی أعوذ بك من البخل و أعوذ بك من الجبن، و أعوذ بك أن أورد الی أرذل العمر، و أعوذ بك من فتنة الدنيا، و أعوذ بك من عذاب القبر » (بخاری) یعنی:
(خداوند از بخل و ترسوئی و بدترین روزهای زندگی (دوران پیری و از کار افتادگی) و فتنه و آشوب دنیائی و عذاب قبر به تو پناه می‌آورم).
« اللهم أصلح لی دینی الذی هو عصمة امری، و أصلح دنیای الی جعلت فیها معاشی: اللهم إنی أعوذ برضاک من سخطک، و أعوذ بعفوک من نقمتک و أعوذ بك منك، لا مانع لما أعطیت، و لا معطى لما منعت، و لا ینفع ذا الجد، منك الجد»

(خداوند دینم را اصلاح کن که پاکی و پاکدامنی من در آن است . و دنیایم را اصلاح کن که زندگیم در آن است.

خداوند از خشم تو به خرسندی و رضای تو پناه می‌برم، و از خداوند از خشم تو غضب تو به عفو و گذشت تو پناه می‌برم، و از توبه تو پناه می‌برم. چیزی را که تو عطا کنی، کسی نمی‌تواند مانع آن باشد و چیزی را کسی نمی‌تواند مانع آن باشد و چیزی را که تو منع کنی، کسی نمی‌تواند آن را عطا کند. هیچ بخت و عظمت و ثروتی در پیشگاه تو بندگان را بکار نیاید، بلکه تنها عمل صالح و کردار شایسته برایشان سودمند واقع می‌شود).

و دعاهای دیگری که در کتب فقه وارد شده اند. و همانطور که گفته شد این دعا ها مستحب هستند و ترک آنها موجب عقاب نیست هر چند شایسته است به تبعیت از پیامبر صلی الله علیه وسلم انجام شوند و اگر بکلی در زندگی ترک شوند جایز نیست و موجب لوم و عتاب تارک دعا کننده خواهد بود.

اما این فضیلت دعا مخصوص بعد از نماز جمعه نیز می‌باشد، ولی آنچه که دعا را در روز جمعه متمایز کرده است ساعت قبول دعا است:

مطابق احادیث نبوی در شب و روز جمعه ساعتی است که در آن ساعت دعا مستجاب می‌شود چنانکه ابوهریره (رض) در حدیثی میفرماید: «فیه ساعه لا یوافقها عبد مسلم و هو قائم یصلی یسال الله شیئاً الا اعطاه إیاه» (متفق علیه) (در روز جمعه ساعتی وجود دارد که هرکس در حال انتظار نماز و ملازمت آن، در آن لحظه از خدا هر چیزی بخواهد خداوند آنرا به عطا می‌کند) و در مورد آن ساعت علماء اختلاف نظر دارند ولی

از ابی برده در صحیح مسلم ثابت است که آن ساعت، ساعتی است که امام بر منبر قرار می گیرد تا وقتی که نماز را اداء می نماید.

همچنان در حدیثی از ابی بُرْدَةَ بْنِ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، روایت است: «ابنُ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَسْمَعْتُ أَبَاكَ يُحَدِّثُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي شَأْنِ سَاعَةِ الْجُمُعَةِ؟ قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ، سَمِعْتُهُ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: « هِيَ مَا بَيْنَ أَنْ يَجْلِسَ الْإِمَامُ إِلَى أَنْ تُقْضَى الصَّلَاةُ » (رواه مسلم.) یعنی: از ابو برده بن ابی موسی اشعری رضی الله عنه روایت شده که گفت: ابن عمر رضی الله عنهما گفت: آیا شنیدی که پدرت در مورد ساعت جمعه از رسول الله صلی الله علیه وسلم چیزی را صحبت کند؟ گفت: گفتم: آری، از وی شنیدم که می گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: آن میان نشستن امام است تا آنکه نماز ادا شود. لذا برخی از علماء گفته اند؛ این ساعت مابین دو خطبه نماز جمعه هنگام جلوس امام است.

جمعه کفاره گناهان:

در حدیثی از ابی مالک الأشعری رضی الله عنه آمده است: «الْجُمُعَةُ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ الَّتِي تَلِيهَا وَزِيَادَةُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ وَذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرٌ أَمْثَالِهَا». (طبرانی فی الکبیر، صحیح الترغیب و الترهیب رقم ۶۸۵) روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: جمعه، کفاره گناهان همان جمعه تا جمعه بعدی به همراه سه روز دیگر است. زیرا خداوند متعال می فرماید: کسی که یک نیکی انجام دهد برابری آن برای او به حساب می آورد.

وقت نماز جمعه:

وقت نماز جمعه همان وقت نماز ظهر است و قبل از آن نیز جایز است: در این مورد مراجعه مینمایم به حدیثی از انس بن مالک رضی الله عنه که میفرماید: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَصَلِي الْجُمُعَةَ حِينَ تَمِيلُ الشَّمْسُ» (پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز جمعه را هنگام زوال آفتاب می خواند).
از جابر بن عبدالله روایت است که: از او سؤال شد چه وقتی پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز جمعه را می خواند؟ گفت: «كَانَ يَصَلِي ثُمَّ نَذَبَ إِلَى جَمَالِنَا فَنَرِيحُهَا حِينَ تَزُولُ الشَّمْسُ» (نماز جمعه را می خواند سپس نزد شترانمان می رفتیم و هنگام زوال آفتاب آنها را باز می گردانیدیم).

نماز جمعه بر کی فرض است؟

1- اسلام

2- بلوغ

3- عقل

4- آزادی

5- مرد بودن

6- سلامتی بدن

7- در محل برگذاری جمعه مقیم بودن

نماز جمعه بر غیر مسلمان و کودکان و دیوانه و کسی که اختیار خود را ندارد اعم از

برده و اسیر و کسی که مسافر است واجب نیست. (به استثنای مسافری که روز جمعه بعد از آذان صبح به سفر رفته باشد).

در حدیثی از طارق بن شهاب روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «الجمعة حق واجب علی کل مسلم فی جماعة إلا أربعة، عبد مملوک أو امرأة أو صبی أو مریض» «خواندن نماز جمعه همراه با جماعت بر هر فرد مسلمانی واجب است، مگر بر چهار گروه؛ برده‌ای که در مالکیت سیدش است، زن، کودک، و شخص مریض». از ابن عمر روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «لیس علی المسافر جمعة» (جمعه بر مسافر واجب نیست).

تشویق بر خواندن نماز جمعه:

نماز جمعه که بحیث عید و مراسم اجتماعی هفتگی مسلمانان بشمار میرود از مقام و منزلت خاصی در اسلام برخوردار میباشد، بخاطر اینکه «نماز جمعه» نه تنها یک عبادت، بلکه مظهر وحدت مسلمین و شکوه و عظمت اسلام است، و مسلمان به حضور در نماز جمعه تشویق گردیده است.

در حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «من اغتسل ثم أتى الجمعة فصلى ما قدر له، ثم أنصت حتى يفرغ من خطبته، ثم يصلى معه غفر له ما بينه وبين الجمعة الأخرى و فضل ثلاثة أيام» (هرکس در روز جمعه غسل کند و به نماز جمعه برود و آنچه برای او مقدر شده نماز بخواند؛ سپس تا فراغت (امام) از خطبه سکوت کند، سپس با او نماز بخواند، گناهان (صغیره) بین این جمعه و جمعه دیگرش و سه روز اضافه بر آن بخشوده می‌شود).

همچنین در حدیثی دیگری حضرت ابوهریره روایت نموده که: پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود است: «الصلوات الخمس، و الجمعة إلى الجمعة، و رمضان إلى رمضان مکفرات ما بینهن إذا اجتنبت الكبائر» «نمازهای پنج‌گانه و جمعه تا جمعه و رمضان تا رمضان، گناهان بین خود را از بین می‌برند به شرطی که از گناهان کبیره دوری شود».

خواندن نماز جمعه در مسجد جامع:

در حدیثی از حضرت بی بی عایشه روایت است: «كان الناس ینتابون یوم الجمعة من منازلهم و العوالی و ...» «مردم گاه گاهی از منازلشان که در قریجات اطراف و حوالی (که در فاصله چهار مایلی و بیشتر از مدینه بودند) برای جمعه (به مدینه) می‌آمدند». از زهری روایت است که: (أن أهل ذی الحلیفة كانوا یجتمعون مع النبی صلی الله علیه و سلم و ذلك علی مسیرة سنة أمیال من المدینة) «اهل ذوالحلیفه با پیامبر صلی الله علیه و سلم جمعه می‌کردند و ذوالحلیفه در فاصله شش مایلی مدینه قرار داشت». از عطاء بن ابی رباح روایت است: «كان أهل منی یحضرون الجمعة بمكة» «اهل منی برای نماز جمعه به مکه می‌آمدند».

حافظ ابن حجر در تلخیص (2/55) گوید: «نقل نشده که پیامبر صلی الله علیه و سلم به کسی اجازه داده باشد تا در یکی از مساجد مدینه یا روستایی از روستاهای نزدیک آن نماز جمعه برگزار کند».

دعا واذکار مستحب در روز جمعه:

آنچه که دعا را در روز جمعه متمایز کرده است حدیث صحیحی از پیامبر صلی الله علیه وسلم است که: « أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَكَرَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ: « فِيهَا سَاعَةٌ لَا يُوَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٍ، وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي يَسْأَلُ اللَّهَ شَيْئًا، إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ » وَأَشَارَ بِيَدِهِ يُقَلِّلُهَا،» (منفق علیه). از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم روز جمعه را یاد کرده و فرمود: در آن ساعتی که هیچ بندهء مسلمانی که ایستاده نماز می گزارد، با آن برابر نمی شود در حالیکه از خداوند چیزی را می طلبد، مگر اینکه آن را بوی می دهد و به دستش اشاره نمود که آن را کم می شمرد.

همچنان در حدیثی از اَبی بُرْدَةَ بْنِ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، روایت است: « أَسْمِعْتُ أَبَاكَ يُحَدِّثُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي شَأْنِ سَاعَةِ الْجُمُعَةِ؟ قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ، سَمِعْتُهُ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: « هِيَ مَا بَيْنَ أَنْ يَجْلِسَ الْإِمَامُ إِلَى أَنْ تُقْضَى الصَّلَاةُ » (رواه مسلم). یعنی: از ابو برده بن ابی موسی اشعری رضی الله عنه روایت شده که گفت: ابن عمر رضی الله عنهما گفت: آیا شنیدی که پدرت در مورد ساعت جمعه از رسول الله صلی الله علیه وسلم چیزی را صحبت کند؟ گفت: گفتم: آری، از وی شنیدم که می گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود:

آن میان نشستن امام است تا آنکه نماز ادا شود.

لذا برخی از علماء گفته اند؛ این ساعت مابین دو خطبه نماز جمعه هنگام جلوس امام است.

1- صلوات و سلام بسیار بر پیامبر صلی الله علیه و سلم فرستادن:

از اوس بن اوس روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « إِنْ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فِيهِ خَلَقَ آدَمَ، وَ فِيهِ قَبُضَ، وَ فِيهِ النَّفْخَةُ، وَ فِيهِ الصَّعْقَةُ، فَأَكْثَرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ كَيْفَ تَعْرِضُ عَلَيَّكَ صَلَاتِنَا وَ قَدْ أُرْمَتْ؟ فَقَالَ: إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَرَّمَ عَلَيَّ الْأَرْضَ أَنْ تَأْكُلَ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ » «به راستی از بهترین روزهای شما روز جمعه است، که در آن آدم خلق شده، و در آن فوت کرده، و دو صور (که با یکی می میرند و دیگری زنده می شوند) در آن دمیده می شود؛ پس در روز جمعه بسیار صلوات بر من بفرستید که صلوات شما بر من عرضه می شود، گفتند: ای رسول خدا! چگونه صلوات ما بر تو عرضه می شود در حالی که جسد تو پوسیده است؟ فرمود: خداوند بر زمین حرام کرده که اجساد پیامبران را بخورد (از بین ببرد)».

2- خواندن سوره کهف:

از ابوسعید خدری روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْكَهْفِ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ أَضَاءَ لَهُ مِنَ النُّورِ مَا بَيْنَ الْجَمْعَتَيْنِ » «کسی که در روز جمعه سوره کهف را بخواند در فاصله بین دو جمعه نوری برایش روشن می شود».

3- دعای زیاد به امید مصادف شدن با ساعت اجابت دعا:

در حدیثی از جابر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: « يَوْمَ الْجُمُعَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ سَاعَةً، لَا يُوْجَدُ فِيهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ شَيْئًا إِلَّا آتَاهُ،

فالتمسوها آخر ساعة بعد صلاة العصر» (روز جمعه دوازده ساعت است) (در این میان ساعتی هست که) هر بنده مسلمانی در آن ساعت از خداوند چیزی بخواهد حتما به او می‌دهد، آن را در آخرین ساعت روز جمعه بعد از نماز عصر جستجو کنید».

آذان در روزه جمعه:

در روز جمعه دو آذان گفته میشود. آذان اول آن اعلام وقت نماز جمعه و آذان دوم آن وقتی که امام جمعه بر روی منبر قرار میگیرد گفته میشود. به هنگام ایراد خطبه از سوی امام جمعه، خواندن هر نوع نماز و صحبت کردن حرام میباشد.

در حدیثی از سائب بن یزید رضی الله عنه روایت است: «كَانَ النَّدَاءُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوَّلَهُ إِذَا جَلَسَ الْإِمَامُ عَلَى الْمُنْبَرِ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، فَلَمَّا كَانَ عُثْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَكَثُرَ النَّاسُ زَادَ النَّدَاءُ الثَّلَاثَ عَلَى الزُّورَاءِ».

(بخاری: 912) (در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم، ابوبکر رضی الله عنه و عمر رضی الله عنه آذان جمعه همان آذان اول بود که در پیشروی منبر گفته می شد آنهم وقتی که امام برای ایراد خطبه، بالای منبر می رفت).

اما در زمان خلافت عثمان رضی الله عنه وقتی جمعیت زیاد شد، آذان سوم بالای زوراء گفته شد و اضافه گردید.

اصل در نماز جمعه و آذان آن، آذانی است که در مقابل امام گفته شده و باصطلاح، آذان دوم جمعه است. زیرا آذان دوم، تنها آذانی است که در عهد رسول الله صلی الله علیه و سلم گفته شده و بیع و شراء را و سایر چیزهایی که مانع از سعی به نماز جمعه هستند، حرام میگرداند. همچنین در عهد خلافت حضرت ابوبکر و عمر رضی الله عنهما نیز فقط یک آذان گفته شده و آن نیز آذانی است که در مقابل امام جمعه گفته میشود.

اما در زمان خلافت حضرت عثمان رضی الله عنه به علت کثرت مسلمین و اجتماع عظیم آنان برای اداء نماز جمعه، آذان اول که در مؤذنه (مناره) گفته میشود، مشروع گردیده است.

آذان اول برای فرا خوانی عمومی مردم برای شرکت در نماز جمعه گفته میشود. این عمل حضرت عثمان رضی الله عنه اگرچه در عهد رسول الله صلی الله علیه و سلم و در زمان شیخین رضی الله عنهما موجود نبوده است، اما هیچ یک از احاد امت منکر آن نشده و آن عمل را رد ننموده اند. لذا به آن اجماع کرده و یکی از سنتهای ماندگار برای این امت به یادگار مانده است.

و ما مسلمین تابع سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین هستیم، چرا که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «... فعليكم بسنتي و سنة الخلفاء الراشدين المهديين، تمسكوا بها وعضوا عليها بالنواجذ...» (ابو داوود - امام احمد - ترمذی - ابن ماجه - صحیح).

(یعنی: ... پس بر شما باد به پیروی از سنت من، و سنت خلفای راشدین که آنها هدایت کنندگان اند، بر آن با دندانهای کرسی خویش گزیده و آنرا محکم گیرید).

سنت های روز جمعه:

سنت را که یک فرد مسلمان آنرا باید رعایت کند عبارت است از :

- 1- غسل کردن
- 2- عطر زدن
- 3- پوشیدن تازه ترین لباس و در صورت امکان لباس سفید
- 4- در صورت ممکن رفتن به مسجد غرض ادای نماز جمعه بصورت پیاده و آرام
- 5- جای گرفتن ، نزدیک امام
- 6- در طول راه به قرائت قرآن و ذکر مشغول بودن
- 7- نظافت کلی بدن
- 8- ناخن گرفتن
- 9- کوتاه کردن سیبیل
- 10- خوانده سوره کهف
- 11- دعاکردن
- 12- صلوات فرستادن
- 13- هفت بار خواندن سوره اخلاص و معوذتین بعد از سلام دادن امام

مکروهات جمعه:

- 1- خواندن نماز ظهر به جماعت
- 2- شرکت در هر مجلسی در وقت جمعه
- 3- حرف زدن در وقت خطبه ها
- 4- بلندکردن کسی و نشستن در جای او
- 5- قدم برداشتن بر روی مردم برای رسیدن به صف های اولی نماز جمعه .

قضای نماز جمعه:

طبق رای و نظر همه علماء با رسیدن وقت نماز عصر فرصت ادای جمعه تمام شده و تنها فرضی است که قضا نمی شود و قابل جبران نمی باشد و در صورت برگزار نشدن نماز جمعه در وقت آن باید نیت نماز ظهر را آورده و چهار رکعت بخواند.

ادای نماز ظهر در روز جمعه:

کسانی که نماز جمعه بر آنها واجب است ولی شرکت نمی کنند طبق قول اصح تا بعد از ادای مراسم جمعه حق ادای نماز ظهر را ندارند و اگر کسی در وقت ادای جمعه نماز ظهر خواند بعداً باید آن را اعاده کند ولی کسانی که گفته شد جمعه بر آنها واجب نیست می توانند در وقت جمعه نماز ظهر را ادا نمایند ولی برای آنها نیز مستحب است تا بعد از ادای جمعه صبر کرده آنگاه نماز ظهر را ادا نمایند. (فقه اسلامی جلد 2 صفحه 1333).

بدعت های شب و روز جمعه:

- 1- گفتن الفاتحه بعد از آذان در طول شب و روز جمعه
- 2- خواندن حدیث عن ابی هریره (رض) قال: قال رسول الله (ص) الجمعة... قبل از آذان

دوم

3- گفتن (صلوسنه الجمعه) توسط مؤذن بعد از آذان اول.

مقام و منزلت خُطبه جمعه خُطبه:

قبل از همه باید گفت که خطبه در روز جمعه واجب است؛ چون از یک طرف پیامبر صلی الله علیه و سلم در تمام جمعه‌ها آنرا می‌خواند و هیچوقت آنرا ترک نمی‌کرد. مطابق روایت محدثین روش پیامبر صلی الله علیه و سلم در خطبه این بود که: «إن طول صلاة الرجل و قصر خطبته مئة من فقهه فأطيلوا الصلاة و أقصروا الخطبة و إن من البيان لسحرا» (طولانی بودن نماز خطیب و کوتاه بودن خطبه‌اش نشانه‌ای از فقیه بودن او است؛ پس نماز را طولانی و خطبه را کوتاه کنید و به راستی که برخی سخنان سحرآمیزند).

در حدیثی از جابر بن سمره روایت است: « كنت أصلي مع النبي صلى الله عليه و سلم الصلوات، فكانت صلاته قصداً، و خطبته قصداً » (نمازها را با پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌خواندم، در نماز و خطبه‌اش حد وسط را رعایت می‌کرد). همچنان در حدیثی از جابر بن عبدالله روایت است: « كان رسول الله صلى الله عليه و سلم إذا خطب احمرت عيناه و علا صوته و اشتد غضبه كأنه منذر جيش يقول صباحكم و مساءكم » «پیامبر صلی الله علیه و سلم وقتی خطبه می‌خواند چشمانش سرخ و صدایش بلند می‌شد و عصبانیتش شدت پیدا می‌کرد انگار از آمدن لشکری هشدار می‌دهد و می‌گوید: دشمن صبح و شام به شما حمله می‌کند».

خُطبه نماز جمعه:

علماء می‌گویند که در ایراد خطبه نماز جمعه، لازم نیست که امام از جملات خاصی برای ایراد خطبه استفاده بعمل آرد، بلکه کفایت خطبه ی خود را با « خطبة الحاجه » شروع نماید که بصورت زیر است:

خطبه حاجت:

پیامبر صلی الله علیه و سلم خطبه‌ها و موعظه‌ها و درسهایش را با این خطبه که به خطبه حاجت معروف است شروع می‌کرد:

« إن الحمد لله، نحمده، و نستعينه، و نستغفره، و نعوذ بالله من شرور أنفسنا و سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، و من يضلل فلا هادي له، و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أشهد أن محمدا عبده و رسوله». « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ » (آل عمران: 102)
« يَا أَيُّهَا النَّاسُ، اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا » (سوره نساء: 1)

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا » (احزاب: 70 و 71)
أَمَّا بَعْدُ :

« فإن أصدق الحديث كتاب الله، وخير الهدي، هدى محمد صلى الله عليه و سلم و شر الأمور محدثاتها، و كل محدثة بدعة، و كل بدعة ضلالة و كل ضلالة في النار » ترجمه: «سپاس و ستایش تنها لایق خداست، او را شکر می‌گوییم و از او یاری می‌جوییم و از او طلب آمرزش می‌کنیم، و پناه می‌بریم به خدا از شرارت نفسهایمان و از بدیهای اعمالمان، هر کسی که خدا و راهدایت کند گمراه کننده‌ای برایش نیست، و کسی را که گمراه کند، هدایت کننده‌ای برایش نیست.»

«و شهادت می‌دهم که هیچ معبود بر حقی غیر از الله نیست، یکتا است، شریکی ندارد و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده او است.»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید آنچنانکه باید از الله بترسید و نمیرید مگر آنکه مسلمان باشید.»

«ای مردمان از (خشم) پروردگارتان بپرهیزید، پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید و (سپس) همسرش را از نوع او آفرید و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت، و از (خشم) خدایی بپرهیزید که همدیگر را بدو سوگند می‌دهید و بپرهیزید از اینکه پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید، (وصله رحم را نادیده گیرید) زیرا بیگمان خداوند مراقب شما است.»

«ای مؤمنان از خدا بترسید و سخن حق و درست بگویید، در نتیجه خدا (توفیق خیرتان می‌دهد و) اعمالتان را اصلاح می‌کند و گناهانتان را می‌بخشاید هر کس که از الله و پیامبرش فرمانبرداری کند قطعا به پیروزی و کامیابی بزرگی دست می‌یابد.»

«اما بعد راستترین سخن، کتاب خدا است و بهترین روش و سنت، روش و سنت محمد صلی الله علیه و سلم است و بدترین امور چیزهای ساختگی است و هر ساخته شده‌ای (در دین) بدعت و هر بدعتی گمراهی و هر گمراهی در آتش است.»

زبان خطبه :

پس از خواندن خطبه حاجت امام هر دو خطبه را با زبان محلی خود ادامه دهند بدون اینکه مقید به الفاظ و عبارات خاصی باشد .

اما برخی از علماء و اهل علم خطبه به زبان غیر عربی را منع کرده اند. به خاطر، میل و رغبتشان به بقای زبان عربی و محافظت آن، و بدلیل حرکت بر مسیر رسول الله صلی الله علیه و سلم و اصحابش که خطابه هایشان را در سرزمین های غیر عربی، با زبان عربی ارائه می دادند و همچنین ترغیب نمودن مردم برای یادگیری زبان عربی و اهمیت به آن.

ولی برخی از اهل علم ایراد خطبه جمعه به زبان غیر عربی را در بین کسانی که اکثرا زبان عربی بلد نیستند، جایز شمرده اند. تا به مردم آنچه که خداوند از احکام برای آنها تشریح کرده و نیز گناه و معصیت هایی که خداوند از ارتکاب آنها منعشان کرده تفهیم نمایند و آنها را به اخلاق و صفات پسندیده راهنمایی کرده و از اخلاق و صفات خلاف آن باز دارند.

شکی نیست که مراعات معانی الفاظ و رسوم، مخصوصا درجایی که مخاطبان یا اکثر آنها به زبان عربی مسلط نیستند و خطبه عربی (به دلیل آنکه آن را نمی فهمند) در آنها هیچ اثری نمی کند، دارای اولویت بوده و از تعلیم عربی و اشتیاق به کارگیری

ومحافظت بر آن مقدم و واجبتر است. چرا که (اگر در آن شرایط خطبه به عربی خوانده شود) هدف، که آموزش مردم است، محقق نشده. و همچنین هدف از بقا بر زبان عربی نیز محقق نمی شود. و بنابراین بر کسی که تامل کند، معلوم می شود که؛ رای مبنی بر جواز ترجمه و ارائه خطبه به زبان های غیر عربی که بین مخاطبین آن رایج است و به وسیله آن تفکر کرده و مراد و مفهوم خداوند را می فهمند، مستحق تر به تبعیت است. خصوصاً هنگامی که عدم ترجمه موجب نزاع و خصومت شود. پس شکی نیست که در چنین حالتی برای دست یابی به مصلحت و از بین رفتن مفاسد؛ ترجمه لازم و اجباری می شود و اگر میان مخاطبان کسی باشد که زبان عربی را بداند برای خطیب مشروع است که با دوزبان خطبه بخواند یعنی با عربی خطبه بخواند و بعداً آن را به زبان دیگری که سایرین می فهمند نیز ایراد کند و بدین وسیله بین دو مصلحت جمع می شود و تمام مضرات از بین رفته و نزاع بین مخاطبین نیز پایان می یابد. و بر این دیدگاه ما، دلایل زیادی از شرع وجود دارند.

یادداشت:

کسی که در خطبه های پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب او دقت کند در می یابد که خطبه های آنها دربرگیرنده مطالبی است از قبیل بیان هدایت، توحید، ذکر صفات پروردگار، اصول کلی ایمان، دعوت به سوی خدا، ذکر نعمتهای الهی؛ نعمت هایی که باعث محبت الله تعالی در قلب بندگانش می شود، و روزهایی که آنها را از عذابش می ترساند.

همچنین در می یابد که پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب در خطبه های خود مردم را به ذکر و شکر امر کرده اند، ذکر و شکر می که موجب پیدایش محبت خداوند در قلب آنها می شد، و طوری عظمت و اسماء و صفات خدا را ذکر می کردند و مردم را به طاعت و شکر و ذکر دعوت می نمودند که قلب آنها مملو از محبت به خدا می شد به طوری که شنوندگان جلسه را ترک می کردند در حالی که خدا را دوست داشتند و خدا هم آنها را دوست داشت.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در خطبه هایش بسیار قرآن می خواند خصوصاً سوره «ق» را (زاد المعاد (1/116))، ام هشام بنت حرث بن نعمان گوید: « ما حفظت ق إلا من فی رسول الله صلی الله علیه وسلم مما یخطب بها علی المنبر » «سوره ق را حفظ نکردم مگر از زبان پیامبر صلی الله علیه وسلم که هنگام خطبه بسیار آنرا بر منبر تکرار می کرد». متفق علیه.

ایجاد فضای آرامش در حین خطبه:

جمهور علماء برای مامومین ساکت شدن بهنگام ایراد خطبه را واجب و سخن گفتن را در آن هنگام حتی حرام می دانند اگر چه سخن گفتن درباره امر به معروف و نهی از منکر باشد، خواه خطبه را بشنود یا نشنود.

از ابن عباس روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «من تکلم یوم الجمعة والامام یخطب فهو کالحمار یحمل أسفارا، والذی یقول له أنصت لا جمعة له» (هر کس روز جمعه در حالی که امام مشغول ایراد خطبه است، سخن گوید، او

همچون خری است که یکبار کتاب بر وی حمل کرده باشند، و آنکس که به وی می‌گوید، ساکت باش، نماز جمعه‌اش کامل نیست) (احمد و پسر ابوشیبه و بزاز و طبرانی آن را روایت کرده‌اند.) (حافظ در «بلوغ المرام» گفته است: در اسناد آن اشکالی نیست.

از عبدالله پسر عمرو روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «**یحضر لجمعة ثلاثة نفر: فرجل حضرها یلغو فهو حظه منها، ورجل حضرها یدعو، فهو رجل الله دعا إن شاء أعطاه وإن شاء منعه، ورجل حضرها بانصات وسکوت ولم یتخط رقبة مسلم ولم یؤذ أحدا فهي کفارة إلى الجمعة الت تليها وزيادة ثلاثة أيام**» و در آیه زیر می‌فرماید: «من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها» احمد و ابوداود با اسناد جيد آن را روایت کرده‌اند. یعنی، (کسانی که در نماز جمعه حاضر می‌شوند، سه دسته هستند: گروهی سخن می‌گویند و سهم‌شان از جمعه همان سخن گفتن پوچ است. گروهی حاضر به نماز جمعه می‌شوند و دعا می‌کنند و الله را می‌خوانند بستگی به مشیت خداوند دارد، که دعایشان را اجابت کند یا نکند، و گروهی به نماز جمعه می‌آیند، که ساکت و آرام می‌نشینند و گوش می‌دهند وصف مردم را، بهم نمی‌زنند و مزاحم مردم نمی‌شوند، نماز جمعه این‌گروه، کفاره و تاوان گناهان این هفته تا هفته بعدی بعلاوه سه روز دیگرشان می‌باشد). چه در قرآن آمده است: «هرکس یک عمل خوب انجام دهد پاداش آن ده برابر است». ابوهریره می‌گوید، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «**إذا قلت لصاحبك يوم الجمعة والامام یخطب أنصت فقد لغوت**» (هرگاه روزجمعه بهنگام خطبه امام، به دوستت گفتی: گوش بده و ساکت باش، تو نیز سخن لغو و پوچ گفته‌ای). به روایت گروه محدثین جز این ماجه.

از ابوالدرداء روایت است که گفته: پیامبر صلی الله علیه و سلم بر منبر نشست و در ضمن خطبه آیه‌ای را قرائت کرد، درکنار من ابی پسرکعب بود و به وی گفتم:

ای ابی‌کی این آیه نازل شده است؟ او امتناع ورزید که با من سخن‌گوید، سپس دوباره از او سوال نمودم او به من جواب نداد، تا اینکه پیامبر صلی الله علیه و سلم از منبر پایین آمد، آنوقت ابی به من گفت: سهم تو از این جمعه، فقط همین حرف زدن شما بود. چون پیامبر صلی الله علیه و سلم برگشت، پیش او رفتم و این مسئله را با وی در میان گذاشتم، فرمود: «**صدق أبي، إذا سمعت إمامك یتکلم فانصت حتى یفرغ**» (ابی راست‌گفته است، هرگاه شنیدی که امام سخن می‌گوید، به وی گوش فراده تا اینکه سخنش پایان می‌پذیرد). به روایت احمد و طبرانی.

دعاء در بین دوخطبه:

در شرع اسلام در بین دو خطبه نماز جمعه دعای خاصی وجود ندارد، ولی نظر برخی از علماء بر اینست که در این موقع دعاء مستجاب است، لذا میتواند هر دعایی که بخواهد بین این دو خطبه بخواند.

ثابت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم در نماز جمعه دو خطبه می‌خواندند که

مابین آن دو خطبه مدت زمان کمی بر روی منبر می نشستند.

از عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْطُبُ خُطْبَتَيْنِ يَفْعُدُ بَيْنَهُمَا» رواه البخاری (928). یعنی: پیامبر صلی الله علیه وسلم دو خطبه می خواند که بین آن دو می نشستند.

اما باید متوجه بود که هیچ اثری از پیامبر صلی الله علیه وسلم و یا اصحاب کرام رضی الله عنهم وارد نشده است که بیانگر آن باشد که آنها در این فاصله ی کم، ذکر یا دعای خاصی کرده باشند.

و این علماء رحمهم الله هستند که فرموده اند دعا خواندن در آن فاصله مستحب است. و دلیل آنها هم بر استحباب آن، ورود دعای خاصی از پیامبر صلی الله علیه وسلم یا توصیه ی رسول الله صلی الله علیه وسلم برای دعا کردن در آن وقت مشخص نبوده است، بلکه آنها با استناد به وجود (ساعت اجابت) در روز جمعه فرموده اند که دعا خواندن در آن وقت مستحب است چه بسا آن ساعتی که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده که دعا در آن مستجاب است، همان لحظه باشد.

در حدیثی از جابر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم، فرمود: «يوم الجمعة اثنتا عشرة ساعة، لا يوجد فيها عبد مسلم يسأل الله عز وجل شيئا إلا آتاه، فآلتمسوها آخر ساعة بعد صلاة العصر» ابوداود (1048) و نسائی (1389). «روز جمعه دوازده ساعت است (در این میان ساعتی هست که) هر بنده مسلمانی در آن ساعت از خداوند چیزی بخواهد حتما به او می دهد، آن را در آخرین ساعت روز جمعه بعد از نماز عصر جستجو کنید». ابوداود و نسائی و حاکم آن را روایت کرده اند و لفظ حدیث روایت نسائی است.

اما برخی از علماء با استناد به حدیثی دیگر، گفته اند که آن ساعت اجابت بعد از نماز عصر نیست، بلکه احتمالا در فاصله ی بین دو خطبه باشد و لذا حکم به استحباب دعا کردن در آن لحظه کرده اند. دلیل آنها حدیث زیر است:

ابوموسی اشعری رضی الله عنه گفت: «سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم يقول یعنی فی ساعة الجمعة: «هِيَ مَا بَيْنَ أَنْ يَجْلِسَ الْإِمَامُ إِلَى أَنْ تُقْضَى الصَّلَاةُ» (یعنی: از رسول خدا صلی الله علیه وسلم شنیدم که (درباره ی ساعت اجابت روز جمعه) می فرمود: آن ساعت مابین لحظه ایست که امام می نشیند تا آنکه نماز پایان می رسد. (یعنی از لحظه ای که امام بین دو خطبه می نشیند بعد خطبه ی دوم را شروع کرده و بعد نماز را اقامه می کنند).

و کسانی که این رای اخیر را ترجیح داده اند می توان به: حافظ ابن حجر، بیهقی و ابن العربی، و قرطبی و نووی اشاره نمود.

اما کسانی که گفته اند آن ساعت اجابت از بعد از نماز عصر است، می توان به: أبو هريرة رضی الله عنه، و عبد الله بن سلام رضی الله عنهما، امام احمد، ابن عبدالبر، و اسحاق، و طرطوشی (از علمای مالکی) و ابن زملکانی (از شافعی) و نصی از شافعی هم در این مورد وجود دارد.

و از ابوسلمه بن عبدالرحمن روایت است که: گروهی از یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم فراهم آمده بودند و درباره آن لحظه مبارک روز جمعه سخن

می‌گفتند و از هم پراکنده شدند در حالی که با هم اختلاف نداشتند در اینکه آن لحظه در آخرین ساعت روز جمعه است.

سعید بن منصور آن را در سنن خود با سند صحیح روایت کرده است. پس قائلین این رای بیشتر هستند. (رجوع کنید به: « فتح الباری » (2 / 421) .
بعبارتی دیگر ما بین علماء در تعیین آن ساعت اجابت اختلاف نظر است و هر کدام دلایل خاص خود را دارند: برخی از علماء فرموده اند که آن ساعت در فاصله ی بین آذان جمعه تا پایان نماز است، و برخی دیگر فرموده اند که از وقت نماز عصر تا غروب آفتاب می باشد.

و حتی قول دیگری از علماء منقول است که آن لحظه ی اجابت، آخرین ساعت روز جمعه است. در آخرین ساعات روز جمعه در دعا کردن بسیار کوشش نمودن نیکو است. از عبدالله بن سلام روایت است که: در مجلسی که پیامبر صلی الله علیه و سلم نشسته بود، من گفتم: در کتاب خداوند است که در روز جمعه ساعتی است، اگر بنده مومن در آن ساعت نماز بگزارد و در آن ساعت از خداوند چیزی را بخواهد، خداوند نیاز وی را برآورده می‌کند.
عبدالله گفت: پیامبر صلی الله علیه و سلم به من اشاره کرد و فرمود: ساعتی یا بعضی از ساعت. من گفتم: راست می‌فرمایی یا بعضی از ساعت گفتم: ای پیامبر صلی الله علیه و سلم کدام ساعت است؟ فرمود:

« آخر ساعه من ساعات النهار » آخرین ساعت از ساعات روز گفتم: در آنوقت نمی‌توان نماز خواند (نماز در آن ساعت مکروه است).
فرمود: « إن العبد المؤمن إذا صلى ثم جلس لا يجلسه إلا الصلاة فهو في صلاة » (بی گمان بنده مومن، هرگاه نماز گزارد و بعد از آن نماز نشست، و این نشستن او بانتظار نماز باشد، نماز بحساب می‌آید. چون او نشسته و دعا می‌کند).
(به روایت ابن ماجه.)

و امید که همه ی آن اوقات لحظه ی اجابت دعا باشد و لذا برخی از علماء چنین فتوا داده اند که شخص مسلمان باید در کل روز جمعه اللخصوص آن دو لحظه برای دعا کردن حریص باشد.

شیخ ابن باز بر این رای هستند و شیخ ابن عثیمین هم می گوید: « امیدوارم که ساعات اجابت در وقت نماز باشند. ». (فتاوی الشیخ ابن باز) (12 / 401 ، 402) و
(دروس و فتاوی الحرم المدنی لشیخ عثیمین عام 1416 هـ)

اما جدا از تعیین زمان اجابت دعا در روز جمعه، گفتیم که برخی از علماء فرموده اند که دعا کردن در لحظه ی ما بین دو خطبه ی امام، یعنی آن زمانی که امام می نشیند، مستحب است. اما با این وجود هیچ حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و سلم وارد نشده که دعای ماثوری از ایشان را ثابت کند.

بنابر این نباید آن لحظه را بعنوان سنتی مؤکده جهت خواندن دعا تعیین کرد. و چه بسا کسانی از نماز گزاران دعا نخوانند و عمل آنها جایز است و حتی سخن گفتن در این لحظه در صورت نیاز جایز است.

شیخ عثیمین رحمہ اللہ در مورد اینکه در لحظہ (بین دو خطبہ) دعای معینی از سنت پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم وجود دارد؟ فرمودند: در آن لحظہ ذکر یا دعای مخصوصی وجود ندارد، اما انسان می تواند هر آنچه که خواست دعا کند، و این به خاطر آنست که آن وقت (جزو و قتهای) اجابت است.

و باز می گوید: « دعا در آن لحظہ نیک و مستحب است، زیرا آن وقت، لحظہ ی ای است که امید اجابت دعا می رود، زیرا پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم خبر داده اند که در روز جمعہ لحظہ است که هر بنده مسلمانی، در آن لحظہ چیز نیکویی از خداوند، طلب کند، خدا آن را به وی می دهد.»

نماز جمعہ ونہ فہمیدن خطبہ امام :

یکی از حکمت های بی نهایت عالی که در نماز جمعہ وجود ، تدریس درسی امام و ایراد خطبہ نماز جمعہ است .

خطبہ نماز روز جمعہ نزد اکثریت مطلقى از علماء اسلام واجب میباشد .

ولی ما افغانها ی که در کشور های غربی و اروپای مهاجرو زندگی مینمایم ، زیاتر ما در مناطق مسکن گزین شده ایم که از داشتن مسجد خاصی افغانی محروم میباشدیم . بناً غرض ادای نماز جمعہ اکثراً به مساجد ترک ها، عرب ها ویا پاکستانی ها می رویم . در این مساجد خطبہ روزہ جمعہ به زبان امام مسجد صورت میگردد و ما چیزی از آن نمی فہمیدیم .

سوال در اینجا است که وظیفہ ما مسلمانان طوریکہ در فوق تذکر رفت ، صرف استماع خطبہ است کہ بر ما واجب است کہ معنی خطبہ را ہم نمی فہمیدیم فقط مطابق حکم سنت پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم باید به آن گوش دہیم ؟ ویا اینکه میشود در حین خطبہ امام ما مصروف تلاوت قرآن ویا مصروف ذکر شویم ، بخاطر آنکہ ما چیزی از خطبہ چون لسان ما نیست ، نمی فہمیدیم ، وجیبہ ما مسلمانان در مورد از لحاظ شرعی چیست و اسلام برای ما چه حکم میکند ؟

در جواب علماء اسلام میفرمایند :

اگر گوش فرا دہید حتی اگر چیزی ہم نفہمی ان شاء اللہ بر خیر هست، البتہ بعضی از اہل علم برای کسی کہ زبان خطبہ را نمی فہمد رخصت می دانند کہ بہ ذکر یا قرائت مشغول شود بہ این شرط کہ بر کسانی کہ بہ خطبہ امام گوش می دہند تشویش و مزاحمتی ایجاد نکند، ولی احسن و افضل عمل برای یک مسلمان گوش فرا دادن بہ خطبہ امام است ، تا آداب خطبہ و اہل مسجد رعایت گردد .

سنت قبلیہ وبعدیہ در نماز جمعہ

نماز جمعہ، سنت قبلیہ ندارد زیرا از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم ثابت نشده است کہ ایشان قبل از نماز جمعہ ، نماز سنت خواندہ باشند. بلکہ برای نماز گزار ، مستحب است کہ شخص هنگام ورود بہ مسجد جهت نماز جمعہ قبل از نشستن دو رکعت نماز تحیت المسجد بجاء بیاورد و سپس بنشیند و بہ خطبہ نماز جمعہ گوش فرا دہد ، طوریکہ در فوق یاد اور شدیم ، بدون آنکہ تا پایان خطبہ سخنی بر زبان بیاورد.

اما اگر احیانا نمازگزار زود به مسجد آمد، مستحب است که تا جائیکه توانایی و طاقت دارد بصورت دو رکعت دورکعت نماز بخواند.

از حضرت ابوهریره روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: « **من اغتسل يوم الجمعة ثم أتى المسجد فصلى ما قدر له، ثم أنصت حتى يفرغ من خطبته، ثم يصلى معه، غفر له ما بينه وبين الجمعة الأخرى و فضل ثلاثة أيام** » «کسی که روز جمعه غسل کند سپس به نماز جمعه برود و آنچه برای او مقدر شده نماز بخواند سپس تا فارغ شدن (امام) از خطبه ساکت شود؛ سپس با او نماز بخواند، گناهان (صغیره) بین این جمعه و جمعه دیگرش و سه روز اضافه بخشوده می‌شود». مسلم (857)

پس هر کس قبل از نماز جمعه به مسجد بیاید، تا زمانی که امام به مسجد می‌آید، هر آنچه را که می‌خواند بدون محدودیت نماز بخواند. و نیت این نمازها نباید، بعنوان نماز راتبه باشد زیرا همانطور که گفته شد، قبل از نماز جمعه، نماز سنت رواتب وجود ندارد و آنچه امروزه به نام سنت قبل از جمعه معروف و مشهور است اصلی در سنت صحیح ندارد و معلوم است که: «پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از آنکه بلال آذان را می‌گفت شروع به خطبه می‌کرد و بطور قطع هیچ کسی بلند نمی‌شد تا دو رکعت نماز سنت بخواند و آذان جمعه بیش از یکی نبوده، پس چه وقتی آنها سنت جمعه را خواندند؟».

اما بعد از نماز جمعه تا چهار رکعت نماز سنت راتبه وجود دارد که بصورت دو رکعتی خوانده می‌شوند که دو رکعت آن سنت مؤکده است.

از ابوهریره روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: « **إذا صلى أحدكم الجمعة فليصل بعدها أربعاً** » «هرگاه یکی از شما نماز جمعه را خواند، بعد از آن چهار رکعت بخواند». مسلم (882)

از ابن عمر روایت است که: « **أن النبي صلى الله عليه وسلم كان لا يصلى بعد الجمعة حتى ينصرف فيصل ركعتين في بيته** » «پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از جمعه نماز نمی‌خواند تا بیرون می‌رفت سپس دو رکعت را در خانه می‌خواند». متفق علیه

خواننده محترم !

اما آنچه امروزه به نام سنت قبل از نماز جمعه مشهور است اصلی در سنت صحیح ندارد و طوریکه در فوق هم متذکر شدیم که: پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از آنکه حضرت بلال آذان را می‌گفت شروع به خطبه می‌کرد و بطور قطع هیچ کسی بلند نمی‌شد تا دو رکعت نماز سنت را بخواند.

ولی بعد از نماز جمعه مسلمانان میتوانند چهار رکعت یا دو رکعت نماز سنت را مطابق حکم حدیثی ذیل بجا آرند.

در حدیثی از ابوهریره (رض) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: « **إذا صلى أحدكم الجمعة فليصل بعدها أربعاً** » «هرگاه یکی از شما نماز جمعه را خواند، بعد از آن چهار رکعت بخواند».

همچنان در حدیثی از ابن عمر روایت است که: « **أن النبي صلى الله عليه وسلم كان لا يصلى بعد الجمعة حتى ينصرف فيصل ركعتين في بيته** » «پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از جمعه نماز نمی‌خواند تا بیرون می‌رفت سپس دو رکعت را در خانه می‌خواند».

چون نماز جمعه، نماز سنت قبلیه ندارد لذا کسی نباید هنگام ورود به مسجد نماز سنت

قبلیه بخواند زیرا این نماز قبل از جمعه وجود ندارد ، اما در عوض هنگام ورود می تواند دو رکعت نماز تحیة المسجد بخواند بعد بنشیند و به خطبه ی امام گوش فرا دهد . از جابر روایت است که گفته است: روزی در حین اینکه پیامبر صلی الله علیه و سلم مشغول ایراد خطبه جمعه بود، مردی داخل مسجد شد، پیامبر صلی الله علیه و سلم به وی فرمود: « صلیت؟ » آیا نماز گزاردی؟ » (گفت: نخیر، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « فصل رکعتین » (دو رکعت نماز بگزار) . به روایت جماعت محدثین.

و در روایت دیگر آمده است: « إذا جاء أحدکم یوم الجمعة والامام یخطب فلیرکع رکعتین ولیتجاوز فیهما » (هرگاه یکی از شما در روز جمعه بهنگام ایراد خطبه امام به مسجد آمد دو رکعت کوتاه بخواند) . به روایت مسلم و احمد و ابوداود.

و در روایت دیگری چنین آمده است: « إذا جاء أحدکم یوم الجمعة وقد خرج الامام فلیصل رکعتین » (هرگاه یکی از شما برای نماز جمعه آمد و حال آنکه امام حاضر شده بود، دو رکعت نماز سنت بخواند). این حدیث متفق علیه می باشد. اما بعد از نماز جمعه می تواند چهار رکعت یا دو رکعت نماز سنت بخواند (به دلیل احادیث زیر) : از ابوهریره روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود : « إذا صلی أحدکم الجمعة فلیصل بعدها أربعاً » « هرگاه یکی از شما نماز جمعه را خواند، بعد از آن چهار رکعت بخواند ». (الإرواء 625)

از ابن عمر روایت است که : « أن النبی صلی الله علیه و سلم کان لایصلی بعد الجمعة حتی ینصرف فیصلی رکعتین فی بیته » (پیامبر صلی الله علیه و سلم بعد از جمعه نماز نمی خواند تا بیرون می رفت سپس دو رکعت را در خانه می خواند). متفق علیه.

تعداد رکعت های نماز جمعه:

در احادیث روایات متعددی در مورد تعداد رکعت های نماز سنت وارد شده است که برخی از این روایات ذیلاً بیان می یابد.

حدیث اول: دو رکعت:

از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است که : « أن رسولَ الله صلی الله علیه و سلم کان لا یصلی بعدَ الجمعةِ حتی ینصرفَ، فیصلی رکعتین » بخاری (937)، و مسلم (882).

یعنی : رسول الله صلی الله علیه و سلم بعد از نماز جمعه، نمازی نمی خواند مگر زمانی که به خانه اش برمی گشت، آنگاه، در منزل دو رکعت نماز می گزارد.

حدیث دوم: چهار رکعت:

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند : « إذا صلی أحدکم الجمعة فلیصل بعدها أربعاً » مسلم (881) یعنی : « هرگاه یکی از شما نماز جمعه خواند، بعد از آن چهار رکعت (سنت) بخواند » .

و به علت اختلاف در روایات، علماء نیز درباره تعداد رکعات نماز سنت بعد از نماز جمعه اقوال مختلفی را ارائه نموده اند.

قول اول:

سنت است که دو رکعت خوانده شود، و ابن عمر رضی الله عنه چنین کرده است.

قول دوم:

اکثر فقهاء گفتند: مستحب است چهار رکعت بعد از جمعه خوانده شود، که از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه و شاگردانش این قول روایت شده است، چنانکه در «مصنف ابن ابی شیبیه» (40/2-41) آمده، و رأی احناف نیز همین است چنانکه در «رد المحتار» (12/2-13) ذکر شده، امام شافعی نیز بر همین قول است و گفته: «ولی ما می گئیم: چهار رکعت خوانده شود» «الأم» (176/7).

قول سوم:

تخیر بین دو یا چهار رکعت.
امام احمد گفته: «بعد از جمعه اگر خواست دو رکعت بخواند وگرنه چهار رکعت بخواند» «المغنی» (109/2).

قول چهارم:

هرکس سنت بعدیه جمعه را در مسجد خواند چهار رکعت بخواند، و اگر در منزل خواند دو رکعت بخواند.

امام ابن قیم می گوید:

«استاد ما أبو العباس ابن تیمیة گفته: اگر در مسجد نماز خواند چهار بخواند و اگر در خانه اش خواند دو رکعت بخواند.
می گویم: احادیث هم بر همین قول دلالت دارند، و ابوداود از ابن عمر ذکر کرده که او هرگاه در مسجد نماز می خواند چهار رکعت می خواند و اگر در خانه اش می خواند دو رکعت می خواند» «زاد المعاد» (417/1).
علمای هیئت دائمی افتاء نیز همین قول را برگزیدند. «فتاوی اللجنة الدائمة» (131/6).

قول پنجم:

مستحب است شش رکعت خوانده شود، و این قول از علی بن ابی طالب رضی الله عنه و از جماعتی از سلف روایت شده است، نگاه کنید به: (مصنف ابن ابی شیبیه) (40/2-41). و این قول برگزیده ابویوسف (شاگرد امام ابوحنیفه) و طحاوی از احناف نیز هست: «شرح معانی الآثار» (337/1)، و حافظ ابن رجب در «القواعد» (صفحه 15) این قول را غریب دانسته است.
از شیخ ابن عثیمین درباره چگونگی جمع بین احادیث وارده سوال شد، ایشان پاسخ دادند: «اهل علم به دلیل این اختلاف (روایت) آرای متفاوتی دارند: بعضی از آنها گفتند: شش رکعت خوانده می شود، دو رکعت بوسیله سنت فعلیه ثابت است و چهار رکعت هم با سنت قولیه، این یک قول،

قول دوم:

معتبر (سنت قولیه) است، یعنی چهار رکعت نماز خوانده شود، پس سنت جمعه تنها چهار رکعت است.

قول سوم :

تفصیل: اگر در مسجدی نماز خواند چهار رکعت بخواند، و اگر در خانه اش خواند دو رکعت بخواند. که این رأی برگزیده شیخ الاسلام ابن تیمیه نیز هست.
و الحمد لله امر واسع است، یعنی: اگر به خانه رفت و چهار رکعت را با دو سلام خواند (دوتا دو رکعتی خواند) نیک است و ضرری ندارد ان شاء الله. « لقاءات الباب المفتوح » (لقاء رقم/214، سؤال رقم/8) .

خلاصه اینکه :

خواننده محترم! طوری که در فوق ذکر شد امر واسع است؛ نمازگزار بین دو رکعت و چهار رکعت یکی را انتخاب کند، و یا هم اگر خواست در خانه چهار بخواند و در مسجد دو رکعت.

نماز جمعه در مسافرت:

قبل از همه باید گفت که: یکی از شروط صحت نماز جمعه؛ استیطان است، یعنی باید اهل آن شهری باشد که در آنجا نماز جمعه برپا می شود و لذا بر شخص مسافر نماز جمعه واجب نیست، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم در سفرهای خود نماز جمعه اقامه نکردند، چنانکه در حجة الوداع در روز عرفه که مصادف بود با روز جمعه، پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز جمعه نخواندند و بجای آن نماز ظهر را به جماعت اداء کردند.

اما برای آنکه حکم نماز جمعه را برای شخص مسافر روشن تر بیان کنیم، توجه شما را به مقدم ای ذیل جلب مینمایم:

یک انسان ممکن است یکی از سه احوال زیر را داشته باشد:

1- مستوطن باشد. (یعنی در شهر یا قریه وطن خود باشد و به جایی سفر نکرده باشد، و یا به شهری برود و در آنجا قصد اقامت دائم را داشته باشد).

2- مسافر باشد. (یعنی وطن خود را به مقصد شهر یا روستایی ترک گفته باشد و سفرش را برای مدتی قطع نکند، که علماء در مورد آن مدت اختلاف نظر دارند، ولی بر طبق رأی جمهور فقهای مذاهب (امام مالک، امام شافعی و امام حنبل) حداکثر چهار روز است).

3- مقیم باشد. (منظور از مقیم یعنی کسی که مسافر است ولی قصد اقامت موقت را در آن شهر دارد، مانند کسی که برای تحصیلات به شهری دیگر رفته و پس از مدتی به وطنش باز می گردد).

در ضمن بر طبق رأی جمهور علماء از جمله مذهب مالکیه و شافعیه و حنابله، هر کس به مکانی مسافرت کند و تصمیم اقامت بیش از چهار روز را داشته باشد، او در حکم شخص مقیم است نه مسافر، و بر طبق مذهب امام صاحب ابو حنفیه، هر کس قصد اقامت بیشتر از 15 روز را داشته باشد، او بعنوان مقیم تلقی شده پس منظور از فرد مقیم در اینجا؛ یعنی مسافری که بیش از حد مجاز در مقصد بماند.

حال با توجه به این مقدمه:

الف:

نماز جمعه بر مستوطن فرض عین است، یعنی بر ساکنان (مردهای بالغ) یک شهر و قریه که عذر شرعی نداشته باشد، واجب است که در نماز جمعه اشتراک نماید. البته برای زنان نماز جمعه واجب نیست ولی میتوانند به نماز جمعه بروند، و زنانی که به نماز جمعه نمی روند باید در منزل نماز ظهر بخوانند.

ب:

نماز جمعه بر مسافر (که قصد اقامت موقت، بیش از چهار روز را ندارد) واجب نیست.

عالم شهیر جهان اسلام الوزير ابن هبيرة (متولد سال 499 هجری متوفی 560 هجری) مینویسد: «علماء اتفاق نظر دارند بر اینکه نماز جمعه بر کودک و برده و مسافر و زن واجب نیست، بجز اینکه روایتی از امام احمد نقل شده که وی نماز جمعه را برای حالتی خاص برای برده واجب دانسته است». (اختلاف العلماء 152/1).

اما ابن المنذر نیشاپوری (حافظ أبو بکر محمد بن ابراهیم بن المنذر بن الجارود النیشاپوری 241-318) مینویسد: «از جمله دلایلی که بر واجب نبودن نماز جمعه بر مسافر به آن استناد می شود؛ اینست که پیامبر صلی الله علیه وسلم قطعا در سفرهای خود روز جمعه وجود داشته، اما به ما نرسیده که ایشان مسافر بوده باشند و نماز جمعه خوانده باشند، بلکه ثابت شده که ایشان در روز عرفه که مصادف بوده با جمعه نماز ظهر خواندند، و این فعل ایشان دلالت دارد بر اینکه نماز جمعه بر مسافر لازم نیست، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم مبین و روشن کننده کتاب الله است، پس با استدلال به فعل پیامبر صلی الله علیه وسلم نتیجه می گیریم نماز جمعه بر شخص مسافر ساقط می شود». (الأوسط 20/4).

خواننده محترم!

اگر چند نفر مسافر در روز جمعه تصمیم بر اقامه نماز جمعه بگیرند آیا خواندن نماز جمعه بر ایشان جواز دارد یا خیر؟

از فحوای نظریات اکثر علماء اسلامی طوری استنباط میشود که نماز جمعه آنها صحیح نیست، بالعکس آنها باید نماز ظهر را بجاء آرند، زیرا خواندن نماز جمعه توسط مسافر بدعت است و اگر مشروع می بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم در سفرهای خود نماز جمعه می خواندند، درحالیکه ایشان فقط نماز ظهر را خوانده اند.

شیخ محمد بن صالح العثیمین رحمه الله میفرماید: «.. اگر جماعتی از مسلمانان به یک کشور کافر مسافرت کنند، و مثلا یکصد نفر باشند که جهت تحصیل و برای مدت پنج یا شش یا ده سال در آنجا ماندگار باشند، در این حالت نماز جمعه بر آنها واجب نیست و حتی صحیح نیست که خودشان نماز جمعه برگزار کنند، زیرا برای نماز جمعه استیطان لازمست است اما آنها مستوطن (اهل آنجا) نیستند پس نماز جمعه در حق آنها صحیح نیست، و بر آنها واجب نمی باشد..». «الشرح الممتع علی زاد المستقنع - المجلد الخامس؛ باب صلاة الجمعة».

یادداشت:

این حکم برای مسافرینی بود که قصد اقامت، ولو کوتاه مدت، را در شهر مقصد نداشتند، و علاوه بر این در آن شهر نیز نماز جمعه برگزار نمی شد، اما اگر مسافر به شهری برسد و در آن شهر آذان جمعه را بشنود، آیا حضور در نماز جمعه برای وی لازم است یاخیر؟

در جواب باید گفت: بیشتر اهل علم از پیروان مذاهب اربعه بر این رأی هستند که نماز جمعه بر او واجب نیست هر چند که صدای آذان را بشنود و در آن شهر جمعه برگزار شود. (مراجعة شود: (البحر الرائق 151/2، المجموع 485/4).

اما بعضی از علماء گفته اند: اگر مسافری به شهری برسد و قصد استراحت داشته باشد و بخواهد بعد از ظهر آنجا را ترک کند یا کمتر از چهار روز دیگر برود، چنانکه در آن شهر نماز جمعه برگزار می شود او نیز باید در نماز جمعه شرکت کند. و علمای ظاهریه گفته اند: بر کسی که صدای آذان را می شنود واجب است در نماز جمعه حاضر شود هر چند که مسافر باشد، و این رأی از امام اوزاعی و زهری نیز نقل شده است. نگاه کنید به: (المحلی 252/3).

و شیخ محمد بن صالح العثیمین رحمه الله می گوید: «اما مسافر در شهری باشد که در آنجا نماز جمعه برگزار می شود، مثلا شخصی در طی سفرش از شهری عبور کند، و داخل آن شهر شود تا استراحت کند و بعد از ظهر سفرش را ادامه دهد، در اینحالت بر او نماز جمعه لازم است؛ به دلیل عمومیت فرموده الله تعالی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ» (سوره جمعه 9). یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه آذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید. و این آیه عام است.». (الشرح الممتع علی زاد المستقنع - المجلد الخامس؛ باب صلاة الجمعة). و گفته اند: این آیه عام است، یعنی همه را مورد خطاب قرار می دهد، پس کسی که مسافر باشد و وارد شهر یا قریه گردد که ساکنین آنجا نماز جمعه برپا می کنند، چنانکه مسافر بخواهد مدتی ولو کوتاه مدت در آنجا بماند، باید در نماز جمعه شرکت کند.

در مورد حکم نماز جمعه بر فرد مقیم؛ یعنی مسافری که قصد اقامت بیش از چهار روز (بر طبق مذهب جمهور) و بیش از 15 روز (بر طبق رای احناف) را داشته باشد همین است کسیکه: وارد شهر یا قریه ای شده ولی قصد اقامت دائم را ندارد، بلکه قصد دارد پس از مدتی به وطن خود بازگردد، مانند کسی که جهت سیاحت به شهری رفته و مدتی را در آنجا ماندگار است و یا محصلی که به قصد تحصیل به شهر یا کشوری رفته اند و قصد دارند پس از اتمام کارشان بازگردند، این افراد نه مسافر هستند و نه مستوطن، بلکه مقیم نامیده می شوند.

اما آیا نماز جمعه بر اینگونه افراد واجب است یاخیر؟
جواب در این مورد: بستگی دارد:

- اگر در آن شهر نماز جمعه برگزار نمی گردد، در آنصورت خلافتی بین علماء نیست که نماز جمعه بر این افراد واجب نمی باشد.

- اگر خود ساکنین آن شهر یا قریه نماز جمعه برگزار می کنند، در این شرایط بعضی از اهل علم گفته اند: نماز جمعه بر مقیم واجب نیست ولی افضل آنست شرکت کند، اما رأی مورد اعتماد در بین مذاهب اربعه آنست که نماز جمعه بر فرد مقیم واجب است، چنانکه:

پیروان مذهب امام ابو حنیفه گفته اند: بر وی (یعنی فرد مقیم) نماز جمعه واجب است، و خود فرد مقیم می تواند عدد لازم برای صحت تشکیل جمعه را کامل کند. (برای تفصیل موضوع مراجعه شود به: (البحر الرائق 151/2-164، الدر المختار 162/2)). اما پیروان امام مالک، امام شافعی و پیروان مذهب حنبلی میگویند: نماز جمعه، بخاطر برپایی آن توسط مستوطنین بر وی نیز واجب است، پس اگر تعداد مسلمانان بالغ مذکر که برای برگزاری نماز جمعه در آن شهر یا قریه لازم است (که چهل نفر می باشد) وجود داشته باشد، در آنصورت نماز جمعه بر مقیم نیز واجب می گردد. اما اگر تعداد مستوطنین به حد نصاب نرسد ولی با وجود فرد مقیم به نصاب برسد، باز نماز جمعه بر مقیم واجب نیست، بلکه باید خود مستوطنین به نصاب لازم برسند آنگاه بر مقیم واجب می گردد که همراه آنها در نماز جمعه شرکت کند. (برای تفصیل موضوع مراجعه شود به: (شرح الخرشی 81/2، المجموع 503/4، کشاف القناع 23/2)). از جمله دلایل آنها برای واجب بودن نماز جمعه بر فرد مقیم، آیه 9 از سوره جمعه است که ذکر شد، و گفته اند:

این آیه عام است و کل مؤمنان را خطاب قرار می دهد، پس بر تمام مؤمنان واجب است به این آیه عمل کنند مگر کسانی را که شارع مستثنی کرده باشد، و پیامبر صلی الله علیه وسلم تنها پنج نفر را از رفتن به نماز جمعه مستثنی کرده، این پنج شخص در حدیثی که از جابر رضی الله عنه روایت گردیده بشرح ذیل بیان یافته است: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَعَلِيهِ الْجُمُعَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، إِلَّا مَرِيضًا أَوْ مُسَافِرًا أَوْ امْرَأَةً أَوْ صَبِيًّا أَوْ مَمْلُوكًا». (سنن دارقطنی (2 / 305) و بیهقی (3 / 261) و الارواء (30 / 57) و حدیث حسن است.

یعنی: «کسی که به الله و روز آخرت ایمان دارد باید در روز جمعه به نماز جمعه برود، مگر کسی که مریض یا مسافر یا زن یا کودک یا برده باشد». طوری که ملاحظه میفرماید در این حدیث تنها پنج گروه را از رفتن به نماز جمعه مستثنی گردیده است ولی فرد مقیم در بین آن پنج نفر نیست، لذا امام ابن قدامه رحمه الله می گوید: «اگر شخص مسافر مقیم شود دیگر نمی تواند نمازش را قصر کند، و اگر قصد اقامت دائم را نداشته باشد؛ مانند طالب علم یا مجاهد یا تاجری که اقامت گزیده تا کالایش را بخرد، در (مورد حکم وجوب نماز جمعه بر وی) دو قول وجود دارد:

اول:

نماز جمعه بر وی لازم است؛ دلیل آن بخاطر عمومیت آیه (9 سوره جمعه) و نیز دلالت اخباری است که آنرا روایت کردیم؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز جمعه را واجب کرده جز برای پنج نفر که آنها را مستثنی کرد، و فرد مقیم جزو آن پنج نفر نیست. دوم:

نماز جمعه بر وی واجب نیست، زیرا او مستوطن نمی باشد، درحالیکه استیطان شرط وجوب است،

علاوه بر آن او نیت اقامت مداوم را در آن شهر ندارد، پس مشابه کوچی هستند که در تابستان در محلی ساکن هستند و زمستان کوچ می کنند.». (المغنی 2/252).
قول راجح در این مسئله همان رأی جمهور اهل علم از جمله بیشتر پیروان مذاهب اربعه است که می گویند: اگر در شهری که اقامت دارد نماز جمعه توسط مستوطنین آنجا اقامه می شود، پس نماز جمعه بر فرد مقیم نیز واجب است، و مقیم در مذهب (مالکیه و شافعیه و حنابله) یعنی کسی که قصد اقامت بیش از چهار روز را داشته باشد و در مذهب احناف کسی است که قصد اقامت بیش از پانزده روز را دارد.

شیخ محمد بن صالح العثیمین رحمه الله می گوید: «..مردم سه دسته هستند:

1- مستوطن (جزو اهالی آن شهر یا روستا).

2- مسافر.

3- مقیمی که نه مسافر است و نه مستوطن.

بطور مثال: مردی به یک شهر می رسد و قصد دارد که بیشتر از چهار روز در آنجا بماند، او مستوطن نیست زیرا آن شهر وطن او نیست، همچنین مسافر هم نیست، زیرا وی قصد اقامت موقت را دارد و سفرش را قطع کرده و مقیم گشته، حال اگر در آن شهر مردمان آنجا نماز جمعه برگزار کنند، بر وی لازمست که در نماز جمعه شرکت کند، اما اگر نماز جمعه برگزار نمی شود، نماز جمعه بر وی نیز لازم نیست. بر این مبنا؛ اگر جماعتی از مسلمانان به یک کشور کافر مسافرت کنند، و مثلاً یکصد نفر باشند که جهت تحصیل و برای مدت پنج یا شش یا ده سال در آنجا ماندگار باشند، در این حالت نماز جمعه بر آنها واجب نیست و حتی صحیح نیست که خودشان نماز جمعه برگزار کنند، زیرا برای نماز جمعه استیطان لازمست است اما آنها مستوطن (اهل آنجا) نیستند پس نماز جمعه در حق آنها صحیح نیست، و بر آنها واجب نمی باشد، اما اگر در آن شهر چهل نفر ساکن مستوطن یافت شوند آنگاه نماز جمعه بر آن چهل نفر واجب است و بر آن مسافرین نیز لازم می شود.». « الشرح الممتع علی زاد المستقنع - المجلد الخامس؛ باب صلاة الجمعة».

با توجه به این توضیحات: کسی که برای تحصیلات به یک شهر دیگر می رود و در آنجا موقتاً ماندگار می شود، او در حکم مقیم است (نه مسافر یا مستوطن) و همانطور که گفته شد: اگر در آن شهر توسط ساکنین آنجا نماز جمعه برگزار نمی شود، پس نماز جمعه بر وی نیز واجب نیست، و در این حکم اختلافی مابین علماء نیست، اما اگر در آن شهر آذان نماز جمعه شنیده می شود و نماز جمعه توسط ساکنین آن شهر برگزار می شود؛ در اینحالت بعضی از علماء فرموده اند: چون مستوطن نیست پس نماز جمعه بر او واجب نیست. اما بر طبق رأی راجح که رأی بیشتر اهل علم نیز می باشد؛ نماز جمعه بر وی لازم است، به دلیل عمومیت فرموده الله تعالی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ» (سوره جمعه 9).
یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه آذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید.

در هر حال حتی برای خروج از اختلاف بین علماء نیز باشد، بهتر است کسانی که موقتاً مقیم شهر دیگری هستند، چنانکه در آنجا نماز جمعه اهل سنت برگزار می شود، به نماز جمعه رفته و در آن شرکت نمایند.

امامت مسافر در نماز جمعه:

در مورد اینکه مسافر می تواند امامت نماز جمعه مستوطنین شهری را بر عهده بگیرد یا خیر؟

پیروان امام ابو حنیفه و امام شافعی میگویند: امامت مسافر صحیح است. (رد المختار 2/155، المجموع 4/250). اما پیروان مالکی و حنابله بدین باور اند که: امامت مسافر برای مستوطن صحیح نیست. (حاشیه الدسوقی 1/377، المغنی 2/253).

امامت مقیم برای مسافر در نماز جمعه:

در مورد اینکه اینک آیا مقیم می تواند امامت نماز جمعه مستوطنین شهری را بر عهده بگیرد؟

جمهور اهل علم بدین باور اند که بلی: مقیم می تواند امامت مستوطن شهری را بر عهده بگیرد.

(رد المختار 2/155، حاشیه الدسوقی 1/377، المجموع 4/250).

حنابله میگویند: چون مقیم جزو مستوطنین نیست، پس نمیتواند، امامت مستوطن را بر عهده بگیرد. (کشاف القناع 2/23، المغنی 2/253).

جمع بندی نظریات فوق (بر طبق رای ارجح):

1- بر همه ساکنان یک شهر واجب است که در نماز جمعه شرکت کنند مگر پنج گروه از مردم: (مریضان، زنان، کودکان، مسافران، برده گان).

2- نماز جمعه بر مسافر واجب نیست، (و مسافر کسی است که - بر طبق نظر جمهور علماء - قصد اقامت کمتر از چهار روز را دارد، یا بر طبق رای احناف قصد اقامت کمتر از پانزده روز را دارد) برای چنین شخصی نماز جمعه واجب نیست حتی اگر صدای آذان را هم بشنود و در آنجا نماز جمعه توسط مستوطنین اقامه گردد، ولی افضل آنست که مسافر نیز در جمعه حاضر شود.

3- کسانی که در شهر غریبی مقیم هستند (یعنی کسانی که بر طبق رأی جمهور قصد اقامت بیش از چهار روز را در آن شهر دارند و یا بر طبق رأی احناف قصد اقامت بیش از پانزده روز را دارند) بر چنین کسانی واجب نیست که با هم جمع شوند و خودشان نماز جمعه برگزار کنند، اما اگر در آن شهر توسط اهالی آنجا نماز جمعه برگزار می گردد واجب است که آنها نیز در نماز جمعه همراه اهالی شهر شرکت کنند.

نماز جمعه در زندان

زندان جای است که در این محل اشخاص از نظر فیزیکی، محدود و توقیف و معمولاً از آزادی های شخصی و در برخی از اوقات از عبادت دینی و مذهبی نیز محروم می شوند.

فرهنگ دهخدا در مورد زندان مینویسد: زندان جایی است که متهمان و محکومان را در آن نگاهدارند. کلمه زندان در فرهنگ افغانی بنام زندان، بندی خانه و یا هم محبس شهرت دارد، کسانی که در زندان هستند، بنام زندانی و یا بندی و یا محبوس یاد می‌گردد. در مورد اینکه مسولیت و وجوبه زندانیان در مورد نماز جمعه چیست؟ شیخ عبد العزیز ابن باز طی فتوای مینویسد:

« اگر در داخل زندان مسجدی باشد، و امکان حضور برای زندانیان در آن میسر باشد، زندانیان میتوانند نماز جمعه را با جماعت همراهی سایر زندانیان ادا نمایند، در غیر آن نماز جمعه بالای زندانیان ساقط است ولی میتوانند نماز ظهر را بجاء آورند. و اگر امکان جمع شدن آنها در مسجد یا مکان واحدی نباشد، پس هر مجموعه خودشان نمازهای پنجگانه خویش را داخل سلولهای خود بصورت جماعت بخوانند». (برای تفصیل موضوع مراجعه شود به فتاوی شیخ عبد العزیز بن عبد الله بن باز جلد/12 صفحه 345)

خواندان نماز جمعه به صدای لودسپیگر در زندان:

اگر زندانیان اجازه اقامه نماز جماعت را در داخل زندان محل واحدی برای نماز جمعه نداشته باشند، طوریکه در فوق یاد اور شدیم: حکم شرع همین است که نماز جمعه از نزد شان ساقط می‌گردد: «مجلس هیئت کبار علماء درباره اقتدای زندانیان بواسطه بلندگو به امام در نماز جمعه و جماعت در حالیکه داخل سلولهای خود هستند، رأی به عدم موافقت با آن داده است، زیرا در شرایطی که آنها قرار دارند نماز جمعه بر آنان واجب نیست، چرا که امکان رفتن به سوی جمعه را ندارند، و هکذا سایر دلایل در این زمینه».

حکم تصادف واقع شدن نماز جمعه و عید در یک روز:

اگر روز عید به روز جمعه در یک روز تصادف کند، خواندن نماز عید برایشان کفایت میکند و نمی‌خواهند غرض انجام نماز جمعه دوباره به عید گاه تشریف آورند، در صورت تصادف شدن نماز عید و جمعه، مردم تنها نماز عید را بجا آورند و مسلمانان تنها نماز پیشین را در خانه خویش بخوانند، و میتوانند برای نماز جمعه نیایند ولی از آنجائی که شاید برخی متمایل باشند که در این روز نماز جمعه هم بخوانند بر امام جمعه واجب است که نماز جمعه را برگزار کند تا علاقه مندان به نماز جمعه در این روز هم بتوانند نماز جمعه شان را برگزار و اداء نمایند در این باره به روایت زیر که صحیح است و در سنن ابی داود آمده است توجه فرمایید:

« عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ قَدْ اجْتَمَعَ فِي يَوْمِكُمْ هَذَا عِيدَانِ فَمَنْ شَاءَ أَجْزَأَهُ مِنْ الْجُمُعَةِ وَإِنَّا مُجْمِعُونَ. » از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: همانا در این روزتان دو عید جمع شده است (یعنی عید و جمعه) هر کس می‌خواهد (حضور او در نماز عید) بجای جمعه اش کافی است (دیگر نماز جمعه امروز بر او واجب نیست) ولی ما نماز جمعه را برگزار می‌کنیم (لذا اگر کسی دلش خواست می‌تواند در آن شرکت کند).

ترتیب خواندن نماز جمعه نزد احناف :

1- خواندن دو رکعت نماز تحية المسجد. این نماز در اول زمانیکه نماز گزار به مسجد داخل میگردد

خوانده میشود، و هیچگونه تفاوتی با سایر نمازهای نافله ی دو رکعتی ندارد. این نماز را میتوان با نیت تحية المسجد شروع کرده و یا با نیت نماز نافله ی دو رکعتی اداء نمود. این نماز هیچگونه اختصاصی به نماز جمعه و روز جمعه نداشته بلکه برای هر دفعه ورود به مسجد، خواندن این نماز سنت میباشد.

2- چهار رکعت نماز همانند چهار رکعت سنت نماز ظهر بوده و هیچگونه تفاوتی با آن ندارد. فقط با نیت «چهار رکعت سنت قبلیه جمعه» خوانده میشود.

3- آذان و خطبه. بعد از اینکه آذان توسط مؤذن گفته شد، سپس امام، بر بالای منبر میرود و خطبه روز جمعه را ایراد میکند. هنگامی که امام بالای منبر میرود خواندن هیچ نمازی صحیح نبوده و سخن گفتن نیز جائز نمیشود و فقط لازم است به خطبه ی امام گوش فرا داده شود.

4 - بعد از خطبه دو رکعت نماز فرض روز جمعه خوانده میشود. امام پیش روی جماعت ایستاده و شروع به اداء نماز فرض جمعه میکند. در این هنگام لازم است نماز گزار وارد صف شده و به امام اقتداء نماید. خواندن قرائت بر عهده امام بوده و لازم است مقتدی با سکوت تمام به آن گوش فرا دهد.

5- چهار رکعت نماز سنت بعدیه جمعه بعد از ختم نماز جمعه. این نماز نیز همانند چهار رکعت سنت قبلیه بوده و هیچگونه تفاوتی با آن ندارد. فقط به هنگام نیت آن باید «چهار رکعت سنت بعدیه» گفته شود.

6 - چهار رکعت نماز احتیاط الظهر. سپس چهار رکعت نماز احتیاط الظهر خوانده میشود. این نماز برای افراد مقیم چهار رکعت بوده و برای افراد مسافر دو رکعت میباشد.

نیت این نماز اینچنین است: «نیت کردم خواندن چهار رکعت فرضی که وقت آنرا درک کرده و نخوانده ام خالصاً لله تعالی الله اکبر».

7- دو رکعت سنت هذا الوقت. این نماز نیز همانند دو رکعت سنت نماز ظهر بوده و هیچگونه تفاوتی با آن ندارد. فقط لازم است در آغاز آن با نیت «دو رکعت سنت هذا الوقت» آنرا شروع نمود.

پس از اتمام این نمازها، امام به اتفاق جماعت، تسبیحات پس از نماز را گفته و سپس برای شادی ارواح گذشتگان، از کلام الله مجید، آیاتی چند قرائت میشود. بدین ترتیب خواندن نماز جمعه به پایان میرسد.

فقهاء احناف برای صحت اداء نماز جمعه هفت شرط را ذکر کرده اند که به شرح ذیل است :

1- مصریعی شهر بودن

2- حضور سلطان یا نائب سلطان و حاکم دست اول مسلمانان

3- وقت ظهر یعنی وقت نماز ظهر

4 - خطبه

5- خطبه باید قبل از نماز جمعه گفته شود

6 - جماعت

7- اذن عام .

خواندن نماز جمعه در مساجد غیر جامع :

علماء در خصوص نماز جمعه فرموده اند که نماز جمعه بر تمامی ساکنان یک شهر یا قریه منطقه مسکونی که حداقل سه نفر بالغ مذکر در آن وجود دارد واجب است حتی اگر شخصی صدای آذان را نیز نشنود بر او واجب است که به نماز جمعه برود. در ابتدا مسلمانان می بایست در مصلاهی شهر یا قریه خود جمع شوند و در آنجا نماز جمعه برپا نمایند، اما اگر در شهر یا قریه خود بنا به علت‌هایی در چندین مسجد جمعه برگزار شد، در آنصورت چنانکه در مسجد جامع شهر یا قریه امکان شرکت در نماز سخت بود، شخص میتواند در سایر مساجد شهر که در آنها نماز جمعه برگزار می شود شرکت نماید.

اگر در شهر فقط در یک مکان جمعه برگزار می شد بنابراین تمامی مسلمانان بالغ مذکر موظفند به آن مسجد بروند ولو اینکه برای تمامی نمازگزاران جا و مکان نباشد، زیرا آنها می توانند در محوطه مسجد نماز بخوانند و نماز جمعه فرض عین است لذا کسی به بهانه نبود مکان یا غیره حق تخلف از نماز جمعه را ندارد مگر اینکه بخواهد در مسجد دیگری که در آنجا هم نماز جمعه برگزار می شود شرکت نماید.

طوریکه در فوق متذکر شدیم : شرط برگزاری نماز جمعه اینست که در منطقه ای حداقل سه نفر مذکر و بالغ موجود باشند، در اینصورت آنها می توانند نماز جمعه را خود برگزار کنند.

(به شرطیکه در محل سکونت آنها مکانی برای برگزاری نماز جمعه نباشد و در صورت وجود خود نمی توانند نماز جمعه برگزار کنند).

البته در این شرایط می توانند به مساجد قریجات نزدیک شهر یا قریه خود نیز بروند (البته در صورتی که امکان نماز خواندن در مسجد جامع محل خود برایشان سخت باشد).

اگر کسی در جایی بسر می برد که نماز جمعه برگزار نمی شد، در اینصورت علماء برای شرکت وی در مساجد شهر یا قریجات نزدیک وی دارای چند قول هستند: برخی از فقهای شافعیه و حنفیه گفته اند که در این شرایط اگر شخص صدای آذان را نشنود، او می تواند به جمعه نرود.

و برخی دیگر گفته اند که اگر فاصله محل سکونت او با نزدیکترین مسجدی که در آنجا جمعه برگزار می شود بیشتر از سه مایل بود، نماز جمعه بر او واجب نیست و این رای مالیکه و حنابله است.

و برخی دیگر از فقها می گویند: اگر او به جمعه رود بگونه ایکه قبل از شب نزد خانواده خود بازگردد، در اینصورت نماز جمعه بر او واجب است. (منظور قبل از شب؛

قبل از آذان مغرب است) و این رای را ابن منذر از ابن عمر و انس و ابوهریره و معاویه و حسن بصری و نافع و عکرمة و عطا و اوزاعی و ابو ثور روایت کرده است. البته برخی از احادیث مخالف برخی از آرای فوق هستند: از عایشه رضی الله عنها روایت است: « **كان الناس يفتابون يوم الجمعة من منازلهم و العوالی و ...** » (مردم گاه گاهی از منازلشان که در قریجات اطراف و حوالی (که در فاصله چهار مایلی و بیشتر از مدینه بودند) برای جمعه (به مدینه) می آمدند. (متفق علیه). در حدیثی از زهری روایت است که: « **أن أهل ذی الحلیفة كانوا یجتمعون مع النبی صلی الله علیه وسلم و ذلک علی مسیرة ستة أمیال من المدینة** » (اهل ذوالحلیفه با پیامبر صلی الله علیه وسلم جمعه می کردند و ذوالحلیفه در فاصله شش مایلی مدینه قرار داشت). (بیهقی)

از عطاء بن ابی رباح روایت است: « **كان أهل منی یحضرون الجمعة بمكة** » (اهل منی برای نماز جمعه به مکه می آمدند). (بیهقی) شیخ ابن جبرین رحمه الله در جواب سوال کسی که در خارج از منزل و در مزرعه خود کار می کند، در خصوص نماز جمعه برای او چنین می گوید: « **اگر از محل کار ایشان تا مکانی که نماز جمعه اقامه می شود با پای پیاده بیشتر از یک ساعت راه است، شرکت در نماز جمعه برایشان لازم نیست، مگر این که وسیله ای باشد که ایشان را برساند، در این صورت برایشان شرکت در نماز جمعه الزامی است، در غیر این صورت در محل کارشان نماز ظهر را بخوانند.** » شیخ ابن جبرین الدر الثمین فی فتاوی الکفلاء و العاملین صفحه (32) و توجه داشته باشید این فتوا برای کسی است که تنها در مزرعه کار می کند و او در خارج از مناطق مسکونی است.

شرط مصر برای نماز جمعه:

در مورد تعریف مصر که بحیث شرط توسط علمای احناف برای اقامه نماز جمعه معرفی گردیده است، فقهاء احناف در بین خود اختلاف نظر پیدا کرده اند. نظر حضرت امام اعظم ابوحنیفه اینچنین است: « **كُلُّ مَوْضِعٍ لَهُ مُفْتٍ وَ امیرٍ وَ قَاضٍ یُنْفِذُ الْأَحْکَامَ وَ یُقِیمُ الْحُدُودَ وَ بَلَغَتْ أَبْنِیَّتُهُ أَبْنِیَّةَ مَنْیَ** » (حاشیه الطحطاوی جلد 2 صفحه 126). یعنی هر شهر یا قریه که در آن مفتی، امیر و قاضی بوده و احکام شرعی و حدود اسلامی در آن به اجراء در آمده و تعداد سکان آن به تعداد سکنه ی منی رسیده باشد. در اینگونه شرائط، این شهر یا قریه مصر محسوب شده و اقامه ی نماز جمعه در آن صحیح خواهد بود.

اما برخی دیگر از فقهاء احناف از جمله علامه ابن عابدین، مصر را اینگونه تعریف نموده اند:

« **مَا لَا یَسَعُ أَكْبَرُ مَسَاجِدِهِ أَهْلَهُ الْمُكَلَّفِينَ بِهَا** » ردالمختار علی الدر المختار جلد 2 صفحه 137. یعنی هر شهر یا قریه که بزرگترین مسجد آنجا، تمامی مکلفین آن شهر یا روستا را جا ندهد. بعبارتی دیگر همه ی مکلفین آن شهر یا قریه در بزرگترین مسجد آنجا جا نگیرد و مسجد گنجایش همه ی آنها را نداشته باشد. در چنین شرایطی، آن شهر یا قریه مصر محسوب شده و خواندن نماز جمعه در آن صحیح خواهد بود.

اگر چه تعریف اول از حضرت امام اعظم ابوحنیفه رحمة الله علیه روایت شده و ظاهر

مذهب میباشد، اما اکثر فقهاء و بسیاری از اصحاب متون و شرح از جمله ولوالجیه، وقایه، متن مختار و شرح آن، متن درر، تعریف دوم را اختیار کرده و آنرا ترجیح داده اند و علت آنرا «ظهور سستی و توانی در امور شرعی» ذکر کرده اند. حالاً با توجه به تعریف اول مصر، در تمامی قریجات و در اکثر شهرهای ما بعلت فقدان مصریّت، نمیتوان نماز جمعه را اداء کرد و همه ی نمازهایی که به عنوان نماز جمعه اداء شده است، همگی نافله محسوب خواهند شد.

اما با توجه به تعریف دوم مصر، نه تنها در همه ی شهرهای افغانستان، بلکه در اکثر قریجات افغانستان شرائط برگزاری نماز جمعه مهیا بوده و همه نمازهایی که بعنوان نماز جمعه اداء شده اند، همگی از نماز جمعه ی آنان محسوب خواهند شد.

از آنجا که حقیقت امر برای ما مشخص نبوده و صحیح بودن هر یک از این دو تعریف برای ما مجهول است، فقهاء احناف دستور داده اند در جاهایی که وجوب نماز جمعه در آن مورد تردید است، پس از اداء دو رکعت فرض جمعه و چهار رکعت سنت بعدیه، چهار رکعت نماز را بعنوان فرض نماز ظهر همان روز، اداء شود تا هرگاه نماز جمعه در آن محل واجب نشده و شرائط اداء نماز جمعه در آن مهیا نبوده باشد، فرض نماز ظهر همان روز را اداء کرده باشند. اما هرگاه نماز جمعه بر آن محل واجب شده و شرائط اداء نماز جمعه را داشته باشند، دو رکعت فرض جمعه به عنوان نماز جمعه محسوب شده و چهار رکعت فرض ظهر همان روز نیز، نافله محسوب شود.

این چهار رکعت نماز که اصطلاحاً «احتیاط ظهر» نام دارد فقط بخاطر وجود شک و تردید در وجوب نماز جمعه بر آن محل (که بنا به تعریف اولی واجب نبوده و بنا به تعریف دومی واجب است) خوانده میشود. همچنین در صورت تعدد نماز جمعه در یک شهر یا قریه نیز خواندن نماز احتیاط الظهر واجب میگردد. این نیز بخاطر خروج از اختلاف فقهاء است که هر نمازگزاری باید پس از اداء نماز جمعه، چهار رکعت احتیاط الظهر را بخواند. زیرا در روایتی از حضرت امام اعظم ابوحنیفه رحمة الله علیه آمده است که ایشان تعدد نماز جمعه را در یک شهر یا قریه جائز نمیدانسته اند.

امام طحاوی، تمرناشی و صاحب مختار و عتابی این نظریه را اختیار کرده و حضرت امام شافعی و روایت مشهور از امام مالک و یکی از دو روایت از حضرت امام احمد بن حنبل نیز بر این نظریه صحه گذاشته اند.

اما اکثر فقهاء احناف نیز تعدد نماز جمعه را در یک شهر یا قریه جائز دانسته و بر صحت آن فتوا داده اند. حالاً در چنین وضعیتی که حقیقت برای ما روشن نیست، فقهاء برای خروج از خلاف مجتهدین، دستور داده اند تا چهار رکعت احتیاط ظهر (فرض نماز ظهر همان روز) خوانده شود تا در صورت صحیح نبودن نماز جمعه آنان، نماز ظهر همان روز آن عده فوت نگردد و در صورتی هم که نماز جمعه ی آنان صحیح بوده باشد، چهار رکعت احتیاط الظهر آنان تبدیل به نافله میگردد.

خلاصه کلام اینکه، احتیاط الظهر در دو صورت خوانده شده و اداء آن نیز واجب میگردد که عبارتند از:

- 1- در صورت وجود شک و تردید در مصر بودن آن محل.
- 2- در صورت تعدد نماز جمعه و اداء آن در بیش از یک محل در یک شهر یا قریه این

فتوایی است که فقهاء احناف صادر کرده و مشروعیت آنرا تبیین نموده اند و کسانی هم که اهل تحقیق و همچنین اهل بصیرت هستند قطعاً میدانند و مطالعه کرده اند که ابن عابدین رحمة الله علیه در کتاب خود میفرماید: «كُلُّ مَوْضِعٍ وَقَعَ الشُّكُّ فِي كَوْنِهِ مِصْرًا يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يُصَلُّوا بَعْدَ الْجُمُعَةِ أَرْبَعًا بِنِيَّةِ الظُّهْرِ إِحْتِياطًا حَتَّىٰ أَنَّهُ لَوْ لَمْ تَقَعِ الْجُمُعَةُ مَوْقِعَهَا يَخْرُجُونَ عَنْ عَهْدَةِ فَرَضِ الْوَقْتِ بِإِدَاءِ الظُّهْرِ وَ فِي الْفَنِيَةِ لَمَّا أُبْتُلِيَ أَهْلُ مَرَوْ بِإِقَامَةِ الْجُمُعَتَيْنِ فِيهَا مَعَ إِخْتِلَافِ الْعُلَمَاءِ فِي جَوَازِ هُمَا أَمَرَ أَيْمَنُهُمْ بِالْأَرْبَعِ بَعْدَهَا حَتْمًا إِحْتِياطًا.» (حاشیه ابن عابدین علی الدر المختار جلد 2 صفحه 146).

خواندن نماز جمعه در همه مساجد شهر:

نظر اکثر علماء بر این است اگر شهر کوچک بود و برگزاری جمعه برای مردم مشکلاتی از قبیل کمبود جا و دوری راه به همراه نداشتت باید در یک محل مراسم جمعه برگزار شود و در صورتی که شهر بزرگ باشد و به علت ضیق مکانی و دوری راه تجمع مردم امکان پذیر نبود بر حسب نیاز فتوا به تعدد جمعه داده اند.

نه خواندن نماز جمعه به بهانه نبودن حکومت اسلامی:

تعداد از مسلمانان در کشور های که اقلیت مذهبی زندگی میکنند به بهانه اینکه در آن مناطق شروط کافی برای اقامه جمعه به دلیل نبود خلیفه فراهم نیست. از خواندن نماز جمعه امتناع میورزند!

به این عده از مسلمانان باید گفت: «این افراد به دلیل ترک جمعه و خواندن نماز ظهر بجای آن، مرتکب کاری بد (و گناه) شده اند، زیرا در نزد اهل سنت و جماعت؛ وجود خلیفه یا اجازه وی، از شروط واجب شدن نماز جمعه یا شرط صحت آن نیست.» (برای مزید معلومات مراجعه شود به فتاوی اللجنة الدائمة والإفتاء (187/8).

ترک و سهل انکاری در نماز جمعه:

بر اساس حکم قرآنی و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و اجماع بر تک تک مسلمانان بالغ و مذکر و توانا فرض عین است که نماز جماعت را بر پا دارند، مگر بر کسی که مریض یا در سفر باشد و یا برای زنان و کودکان که بالای آنان واجب نیست. از ابن عمر و ابوهریره روایت است که آنان از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدند که روی منبرش می فرمود: «لینتهین أقوام عن ودعهم الجمعات أو لیختمن الله علی قلوبهم ثم لیكونن من الغافلین» «افرادی که جمعه را ترک می کنند باید از این عملشان دست بکشند وگرنه خداوند بر قلبهای آنها مهر (غفلت) می زند، سپس در زمره غافلان قرار می گیرند».

از عبدالله روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم به گروهی که نماز جمعه را ترک می کردند فرمود: « لقد هممت أن أمر رجلا یصلی بالناس، ثم أحرق علی رجال یتخلفون عن الجمعة بیوتهم» «تصمیم داشتم که شخصی را مأمور کنم تا برای مردم نماز بخواند سپس بروم و خانه های مردانی را که به نماز جمعه نمی آیند بر سرشان آتش بزنم.» از ابوجعد ضمیری روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « من ترک ثلاث جمع تهاونا بها طبع الله علی قلبه» «کسی که سه جمعه را از روی بی توجهی، ترک کند خداوند بر قلبش مهر می زند».

از اسامه بن زید روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « من ترک ثلاث جمعات من غیر عذر کتب من المنافقین » « کسی که سه جمعه را بدون عذر ترک کند، از منافقین به حساب می‌آید ».

پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرمایند: « من ترک ثلاث جمع تهاونا بها، طبع علی قلبه » (ابوداود 1052) یعنی: هر کس که از روی تنبلی سه جمعه را ترک کند بر قلب او مهر زده می‌شود.)

و همچنین می‌فرمایند: « الجمعة حق واجب علی کل محتلم الا الاربعة: عبد مملوک او امرأة او صبی او مریض » (ابوداود 1067). (نماز جمعه حقی واجب است که بر هر بالغی واجب است مگر بر چهار دسته: بر برده و یا زن و یا کودک و یا مریض.)
و در حدیثی دیگر می‌فرمایند: « من کان یومن بالله والیوم الآخر فعليه الجمعة یوم الجمعة، الا مریض او مسافر او امرأة او صبی او مملوک » دارقطنی 3/2. یعنی: هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد پس نماز جمعه روز جمعه بر وی واجب است الا بر مریض یا مسافر یا زن یا کودک یا برده.

سهل انگاری و تخلف از شرکت در نماز جمعه:

در مورد سهل انگاری و تخلف از شرکت در نماز جمعه در حدیثی از عبدالله بن مسعود روایت است که: رسول الله صلی الله علیه و سلم، در باره گروهی که در اقامه نماز جمعه سهل انگاری میکنند فرموده است: « می‌خواهم مردی را برای نماز جلو کنم آنگاه خودم نزد کسانی بروم که از شرکت در نماز جمعه تخلف می‌ورزند و آنها را در خانه هایشان بسوزانم. (مسلم)

همچنین عبدالله بن عمرو و ابوهریره می‌گویند: رسول خدا از روی منبر فرمود: « باید دست بردارند کسانی که نماز جمعه را ترک می‌کنند از این کار وگرنه بیم آن می‌رود که خداوند بر قلبهایشان مهر بزند سپس جزو غافلان بشمار روند ». (مسلم)
همچنین ابوجعد ضمیری می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است: « هر کس سه جمعه را از روی سهل انگاری ترک نماید، خداوند مهری بر قلب او خواهد زد. (ابوداود و ترمذی) و در روایتی آمده است که بر قلب او مهر منافقت زده می‌شود.

بنابراین آنچه بیان گردید بر مسلمانان بخصوص بر طبقه جوان است که با اهمیت و شوق و ذوق بیشتری برای شرکت در نماز جمعه؛ اشتراک نمایند.

نتیجه‌ی ترک نماز جمعه بدون عذر:

در حدیثی از محمد بن عبد الرحمن بن زرارة رضی الله عنه روایت که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: «من سمع النداء یوم الجمعة فلم یأتها ثم سمعه فلم یأتها ثم سمعه ولم یأتها طبع الله علی قلبه وجعل قلبه قلب منافق). «اخرجه البيهقی - صحيح الترغيب و الترهيب رقم ۷۳۵)

(کسی که آذان روز جمعه را بشنود و به نماز نیاید و دوباره شنیده و نیاید و باز شنیده و نیاید خداوند بر قلب او مهر می‌زند و قلب او را به قلب منافق تبدیل می‌کند.)

علماء میفرمایند بر کسیکه نماز جمعه بر او واجب باشد ولی عمداً، آنرا ترک کند مستحق عقاب می باشد زیرا در آیه 9 سوره جمعه پروردگار با عظمت امر فرموده است «اگر در روز جمعه به نماز نداء داده شد به سوی ذکر خدا بروید و معاملات را ترک کنید»

پس کسیکه خلاف امر خداوند عمل کند مستحق عذاب خواهد بود و در حدیث ابن ماجه از جا برآمده که حضرت محمد صلی الله علیه وسلم میفرماید: «**من ترک ثلاث جمع تهاوناً، طبع الله علی قلبه**» (1179 نیل الاوطار) (کسی که سه جمعه را عمداً پشت سرهم ترک کند خداوند بر قلبش مهر می نهد) ابن مسعود روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم به کسانی که از نماز جمعه تخلف می کنند فرمود:

«**لقد همت ان أمر رجلاً یصلی بالناس ثم أھرق علی رجال یتخلفون عن الجمعة بیوتهم**» (احمد و مسلم حدیث صحیح) (تصمیم گرفتم کسی را انتخاب کنم که برای مردم امامت نماز کند) (منظور نماز جمعه است) سپس کسانی که از انجام جمعه تخلف کنند خانه هایشان را بر آنها بسوزانم) پس نماز جمعه در شریعت اسلام جایگاه مهمی دارد و هرکس از مسلمانان از آن تخلف نماید مستحق عقاب خواهد شد.

حکم شرعی تبریک گفتن روز جمعه:

در این هیچ جای شکی نیست که روز جمعه برای مسلمانان یکی از روزی های بزرگ بوده و بمثابة روز عید مسلمانان بشمار میرود، و بسیاری از مسلمانان عادت دارند که فرا رسیدن روز جمعه را به یک دیگر تبریک عرض میدارند. عید بودن این روز در حدیثی که از ابن عباس رضی الله عنه روایت گردیده است بوضاحت معلوم میگردد: «**إِنَّ هَذَا یَوْمٌ عَیدٌ جَعَلَهُ اللهُ لِلْمُسْلِمِینَ، فَمَنْ جَاءَ إِلَى الْجُمُعَةِ فلیَغْتَسِلْ، وَإِنْ كَانَ طَیْبٌ فَلِیَمَسْ مِنْهُ، وَعَلَیْكُمْ بِالسَّوَاكِ**» رواه ابن ماجه (1098) و حسنه الألبانی فی «صحیح ابن ماجه». (یعنی: همانا روز جمعه عیدی است که پروردگار با عظمت ما آنرا برای مسلمانان قرار داده، پس هرکس برای نماز جمعه آمد ابتدا غسل کند، و اگر عطری دارد خود را خوش بو کند، و مسواک زدن را فراوش نکنید). در این جای شکی نیست که دستور و هدایت شرع اسلامی همین میباشد تا مسلمانان به یک دیگر ایام عید از جمله (عید فطر و عید اضحی) را تبریک گویند. بادر نظر داشت اینکه روز جمعه از جمله اعیاد مسلمین میباشد، ولی با آنهم تبریک گفتن آن از جمله بدعت در دین بشمار میرود، زیرا صحابه رضی الله عنهم، که نسبت به ما در تعظیم و بزرگداشت این روز حریص تر بودند هیچگونه روایت در تبریک گفتن این روز از جانب آنان وارد نشده که آنها آمدن روز جمعه را به هم دیگر تبریک گفته باشند، و اگر این امر مشروع می بود، همانگونه که عید فطر و عید اضحی را به هم تبریک می گفتند روز جمعه را به هم تبریک می گفتند.

هکذا اگر تبریک گفتن روز جمعه به همدیگر در دین مشروع می بود، سلف صالح نیز به همه تبریک می گفتند، همانطور که عید فطر و عید قربان را به هم تبریک می گفتند. پس ما نیز تابع سلف صالح امت باشیم، صرف اعیاد فطر و قربان را به هم تبریک گفته ولی از گفتن تبریک عرض کردن بمناسبت روز جمعه احتراز نمایم.

از جناب شیخ صالح فوزان درباره ارسال پیام از طریق موبایل به دیگران و ذکر تبریک گفتن روز جمعه سوال بعمل آمد ، شیخ صالح در جواب فرمودند : « سلف صالح روز جمعه را به همدیگر تبریک نمی گفتند، پس ما هم چیزی که آنها نکردند انجام نمی دهیم»
« مجلة الدعوة الإسلامية » **پایان**

فهرست :

1	جمعه در لغت
2	صلاة الجمعة
3	آداب روز جمعه
4	برخی از فضائل روز جمعه در احادیث نبوی
5	روز اول هفته جمعه است نه شنبه
6	آغاز شب جمعه
7	خصوصیات روز جمعه
8	فضیلت روز جمعه
9	کثرت صلوات در روز جمعه
10	حکمت و فلسفه فرض شدن نماز جمعه
11	پیامبر اسلام چرا در مکه نماز جمعه را اداء نکردند؟
12	اولین بار نماز جمعه چه وقت فرض شد؟
13	کمترین عدد برای اقامت نماز جمعه
14	حکمت و فلسفه نماز جمعه چیست؟
15	حکم نماز جمعه
16	حکمت نماز جمعه و فضیلت رفتن به آن
17	فضایل رفتن به مسجد
18	زنان و نماز جمعه
19	فضیلت دعا در نماز جمعه
20	جمعه کفاره گناهان
21	وقت نماز جمعه
22	نماز جمعه بر کی فرض است؟
23	تشویق بر خواندن نماز جمعه
24	خواندن نماز جمعه در مسجد جامع
25	دعا و انکار مستحب در روز جمعه
26	آذان در روزه جمعه
27	سنت های روز جمعه
28	مکروهات جمعه
29	قضای نماز جمعه
30	ادای نماز ظهر در روز جمعه
31	بدعت های شب و روز جمعه
32	مقام و منزلت خطبه جمعه
33	خطبه حاجت
34	زبان خطبه

	ایجاد فضای آرامش در حین خطبه	35
	دعاء در بین دوخطبه	36
	نماز جمعه ونه فهمیدن خطبه امام	37
	سنت قبلیه وبعديه در نماز جمعه	38
	نماز جمعه در مسافرت	39
	امامت مسافر در نماز جمعه	40
	امامت مقیم برای ماسفر در نماز جمعه	41
	نماز جمعه در زندان	42
	خواندان نماز جمعه به صدای لودسپیگر در زندان	43
	حکم تصادف واقع شدن نماز جمعه وعید در یک روز	44
	ترتیب خواندن نماز جمعه نزد احناف	45
	خواندان نماز جمعه در مساجد غیر جامع	46
	شرط مصر برای نماز جمعه	47
	خواندن نماز جمعه در همه مساجد شهر	48
	نه خواندن نماز جمعه به بهانه نبودن حکومت اسلامی	49
	ترک وسهل انگاری در نماز جمعه	50
	سهل انگاری و تخلف از شرکت در نماز جمعه	51
	نتیجهی ترک نماز جمعه بدون عذر	52
	حکم شرعی تبریک گفتن روز جمعه	53

تتبع ، نگارش و نوشته از:

امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »
ادرس ارتباطی :

saidafghani@hotmail.com
strategicstudies@yahoo.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**